



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

۲۵۲

برای

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سر دبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۲۵ آوریل ۲۰۱۲ - ۶ اردیبهشت ۱۳۹۱

اول مه را به روز اعتراض و اعتصاب تبدیل کنیم!

اطلاعیه حزب بمناسبت اول مه،

"نه" به سرمایه داری، یک دنیای بهتر ممکن است!



یادداشت سر دبیر،

سیاوش دانشور

اوضاع جمهوری اسلامی؛

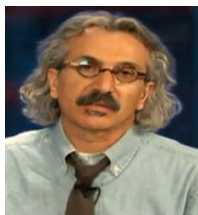
از مذاکرات استانبول تا پاکسازی قومی

در ماههای اخیر تنور سیاستهای نژادپرستانه جمهوری اسلامی داغ شده است. از شعار "تولید ملی و حمایت از سرمایه ایرانی" خامنه ای و عریده های ناسیونالیستی احمدی نژاد در قبال سه جزیره تا تشدید سیاست حکومتی پاکسازی قومی شهروندان افغانستانی، حلقه های یک سیاست واحد اند. اما این تبلیغات و تنشهای دیپلماتیک و یا اقدامات شنیع نژادپرستانه علیه شهروندان افغانستانی در طول حاکمیت جمهوری اسلامی جدید نیست، همواره وجود داشته و در دوره هایی تشدید و یا تضعیف شده است. نکته اینست که هر بار داغ کردن تنور این سیاستها به معضلات مشخصی جواب میدهد و به منافع مستقیم تری از طبقه حاکم کمک میکند، اما در هر حال، قربانیانش طبقه کارگر هستند.

صورت مسئله کدام است؟

در وضعیت کنونی جمهوری اسلامی، این سیاستها برخلاف صورت ظاهرشان بلافاصله از نژادپرستی حکومت اسلامی منشا نگرفته هرچند با فعال کردن آگاهانه این ویروس در قلمرو تبلیغات از آن استفاده میکند. منشا اساسی این عر و تیز نژادپرستانه جمهوری اسلامی موقعیت وخیم و در خطر فروپاشی اقتصادی حکومت و همزمان تاثیر این اوضاع بر زندگی واقعی مردم زحمتکش و نارضابیتی شدید طبقه کارگر از وضعیت کنونی است.

جمهوری اسلامی در منگنه بحران همه جانبه اش گیر کرده است. بن بست اقتصادی دیرینه حکومت اسلامی با تشدید بحران اقتصادی سرمایه ۲



جدال بر سر آلترناتیو حکومتی

کارگری یا بورژوازی، سوسیالیستی یا سرمایه داری

(۲)

صفحه ۳

علی جوادی

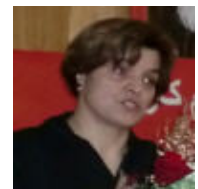


انتخابات فرانسه و راست افراطی

بر سر چپ چه آمده است؟

صفحه ۵

آذر ماجدی



اول مه روز کارگر است،

روز دفاع از سرمایه نیست!

صفحه ۸

نسرین رضاعلی



همه راه ها به رم ختم نمیشود!

جوابی کوتاه به محمد نبوی

صفحه ۱۰

پروین کابلی



رژیم اسلامی یعنی تعرض و تجاوز

به بهانه آزار جنسی کودکان از سوی عوامل رژیم

صفحه ۱۴

پدرام نواندیش



کارگران ایران در آستانه روز جهانی کارگر

صفحه ۱۵

نادر رضا نژاد

اوضاع جمهوری اسلامی؛

از مذاکرات استانبول تا پاکسازی قومی ...

داری و تاثیرات مخرب تحریمها به موقعیت تبدیل شده است. اگرچه حکومتیها راسا از تحریمهای اقتصادی صدمه ندیده اند اما طبقه کارگر و مردم زحمتکش توان سنگین آن را پرداخته است. بستن گسترده کارخانجات و تعطیل پروژه ها، کار کردن بخش زیادی از موسسات مهم اقتصادی با ظرفیتهای زیر ۳۰ درصد و کمتر، و بیکارسازی وسیع کارگران از کمترین نتایج این تحریمها بوده است. در کنار این سقوط معیشت طبقه کارگر، تورم و گرانی بیداد میکند و سیاست حذف سوبسیدها وخامت این اوضاع را به اوج رسانده است. ظاهرا در ایران هنوز مسئله کمبود کالاهای مورد نیاز به یک بحران اجتماعی تبدیل نشده است اما طیف وسیعی عملا و بطور عینی امکان خرید و تهیه حداقل ترین امکانات برای بازتولید خود و زنده ماندن را بتدریج از دست میدهند. این اوضاع به ایجاد یک توده وسیع چند ده میلیونی از خانواده های کارگری و ارتش وسیع بیکاری و آونک نشین ها و خیابان خوابها شکل داده است که فقط فقیر نیستند، فقط زیر خط فقر زندگی نمیکنند، بلکه در فقر شدید هستند و بخش زیادی از آنها رسماً گرسنه اند. کسانی که پیوند دادن اقتصادی امروز به فردا برایشان یک سوال حیاتی و فوری شده است. کسانی که تدریجا به حاشیه جامعه و تولید و اقتصاد رانده میشوند و بالقوه بعنوان یک نیروی انفجاری عمل خواهد کرد.

مذاکرات استانبول

برخلاف بسیاری از تبیین های ژورنالیستی که خود را به افت و خیز اخبار و پروپاگاندا محدود

اجتماعی سه دهه تحریم مردم توسط جمهوری اسلامی و دولت های غربی را کارگران و محرومان پرداخته اند. خامنه ای دارد میگوید که برای تهیه مهمات کشمکش حکومت اسلامی با دول غربی و همینطور کشیدن بار ناشی از تحریمهای اقتصادی، باید کارگران برای "سرمایه ایرانی" بیشتر جان بکنند و "جهاد اقتصادی" کنند! این موقعیت وخیم اقتصادی که با نفرت سیاسی دیرینه از جمهوری اسلامی ترکیب شده است، میتواند پیامدهای داخلی وخیمی برای حکومت اسلامی ببار بیاورد. اینجا تبلیغات فاشیستی و شعارهای ناسیونالیستی و سیاست تفرقه در میان طبقه کارگر ماتریال مهمی در دست حکومت اسلامی میشود. "تولید ملی" و "سرمایه ایرانی" و "مقابله با واردات بی رویه" و "حمایت از تولید داخلی" بعنوان ویتترین سیاستهای ضد کارگری جلو صحنه گذاشته میشوند. بیکاری وسیع و دسته جمعی کارگران را صرفا یا به تحریمها و یا به وجود کارگران "خارجی" منتسب میکنند. افغانستانی ستیزی بیش از هر زمان به سیاست جمهوری اسلامی تبدیل میشود. یکباره وجود شهروندان افغانستانی در ایران را بطور کلی اعم از کسانی که پرونده اقامت دارند یا نه باطل اعلام میکنند و تبلیغات نژادپرستانه و "عرب"

ستیز حول سه جزیره راه می اندازند. این ناسیونالیسم و فاشیسم فوق برنامه از "کافر" ستیزی اسلام ناشی نشده است از استیصال ایدئولوژی اسلامی در مواجه با موجهای بحران مزمن و همه جانبه حکومتی ناشی میشود.

کارگران انرژی هسته نمیخواهند، کار و زندگی میخواهند! مذاکرات استانبول به هر نتیجه ای در دوره های آتی برسد یا نه، مشغله کارگران نیست. کارگران خواهان نفی خطر تهاجم نظامی و قلداری میلیتاریستی، خواهان متوقف شدن تحریم تجاری، و خواهان یک زندگی آزاد و مرفه هستند. کارگران نه به توافقات تروریستها برسر پرونده اتمی واقعی میگذارند، نه پشت شعارهای ناسیونالیستی در حمایت از "سرمایه ایرانی و تولید ملی" میروند، و نه در مقابل سیاست فاشیستی علیه شهروندان افغانستانی و هم طبقه ای هایشان ساکت میمانند. کارگران در پس این اوضاع استیصال حکومت و قدرت جنبش شان را میبینند و برای نبردهای سراسری و قیام گرسنگان آماده خواهند شد. کارگران در اول مه پاسخ یکجائی به حکومت اسلامی و طرفین جدال تروریستی خواهند داد. *

تمام فلاسفه تاکنون جهان را

تفسیر کرده اند،

حال آنکه مسئله بر سر تغییر

آنست!

کارل مارکس

میکند، مذاکرات استانبول بیانگر چرخشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی و آغاز دوره نوینی از مناسبات جمهوری اسلامی با دول غربی نیست. مذاکره، دیپلماسی، سازش، تحریم، قطع رابطه و اوجگیری تنشهای دیپلماتیک، تبلیغات میلیتاریستی و جنگ، اجزای یک پروسه واحد کشمکش بنیادی دو قطب تروریستی اند. این محدودیتهای طرفین درگیر است که به سیاستهای پراگماتیستی و سازش های مقطعی امکان میدهد و نه آغاز فصل جدیدی از "تفاهم" و "سازنده بودن دیالوگ". کشمکشهای دو قطب تروریستی اساسا برسر پرونده اتمی نیست، با این پرونده آغاز نشده و با بستن و یا معامله برسر این پرونده نیز تمام نخواهد شد. کشمکش دو قطب تروریستی مسائل پایه ای تر و استراتژیک تری دارد و مادام که این مسائل پاسخ میانمدت و یا طولانی مدتی نگرفته اند این کشمکش در جریان است و افت و خیزها در این سیر بیانگر تغییرات پایه ای در آن نیست.

ناسیونالیسم زورکی

شعار خامنه ای مبنی بر سال "تولید ملی و حمایت از سرمایه ایرانی" واکنشی به تاثیرات تشدید سیاست تحریمهای اقتصادی است. تحریمها اقتصاد ایران را در تنگناهای جدی قرار داده و تداوم و تشدید این تحریمها دورنمای فلج کامل اقتصاد را در چشم انداز قرار میدهد. تاکنون پیامدهای اقتصادی و



علی جوادی

جدال بر سر آترناتیو حکومتی کارگری یا بورژوازی، سوسیالیستی یا سرمایه داری

(۲)

در قسمت قبل به مساله شاخصهای یک انتخاب سرنوشت ساز اشاره شد. کدام شاخصها مبنای انتخاب آترناتیوهای آینده حکومتی اند. از جدال بر سر اقتصاد آینده جامعه باید آغاز کرد!

کل کارنامه اقتصادی حکومت اسلامی برای مردم چیزی جز فقر و فلاکت همه جانبه نبوده است. رژیم اسلامی در کلیت اقتصادی خود یک پروژه شکست خورده است. از نظر اقتصادی در بن بست و بحران همه جانبه ای بسر میبرد. تحریم های اقتصادی ناشی از جدال دو قطب تروریستی را نیز به این تصویر سیاه اضافه کنید. ابعاد فلاکت و ناهنجاری اقتصادی روشن تر میشود. حکومت اسلامی راه حلی ندارد. هر راه حل اقتصادی در گرو سرنوشتی رژیم اسلامی و تعیین تکلیف با اسلام سیاسی در ایران و بعضا در منطقه است. اما پیام آترناتیو راست برای مردم در زمینه رفاه و تامین اجتماعی جامعه چیست؟ سهم مردم از زندگی و درجه رفاه اجتماعی در آترناتیو اقتصادی این گزینه چیست؟

ابتدانا باید تاکید کرد که آترناتیو راست در بعد اقتصادی خود تفاوت ماهوی با مناسبات اقتصادی حاکم بر رژیم اسلامی ندارد. استثمارگرانه و ضد کارگر و سرمایه داری است. در بهترین حالت وضعیت کارگر و توده مردم زحمتکش در این آترناتیو چیزی بهتر از وضعیت کارگر در ترکیه و مصر و اردن نخواهد بود. اگر تفاوتی هست در میزان رابطه و مناسبات این نیروها با دول سرمایه داری در غرب است. به این اعتبار این

اقتصادی اصلی ترین اهرم این جریان در شرایط بحران اقتصادی است. به این اعتبار پلانفرم اقتصادی این آترناتیو عمیقا راست و ضد کارگری است. همانطور که جریانان راست در اروپا و آمریکا و در اقصی نقاط جهان در مواجهه با بحران سرمایه نیز تعرض همه جانبه ای به حقوق و معیشت کارگر را در دستور قرار میدهند این جریان نیز نسخه دیگری در دستور ندارد. فقر و فلاکت و محرومیت اجتماعی نتیجه کارکرد اقتصادی این آترناتیو برای کارگر و توده مردم زحمتکش است.

اما تصور خامی خواهد بود اگر ثمره کارکرد اقتصادی این آترناتیو را حتی مشابه ثمره کارکرد اقتصاد ما به ازاء سیاسی این جریان در غرب بدانیم. تفاوتها پایه ای اند و به ویژگیهای اقتصاد سرمایه داری در جامعه ای مانند ایران برمیگردد. چرا؟

واقعیت این است که پلانفرم اقتصادی این جریان سازماندهی "اقتصاد کار ارزان"، اقتصادی مبتنی بر نیروی کار ارزان است. کار ارزان شاخص اصلی و مولفه تعیین کننده این آترناتیو اقتصادی است. و با توجه به سطح نازل تکنولوژیک و دانش فنی و کارایی سرمایه، این الگویی است که سرمایه داری ایران پیشروی خود دارد و در آن چهارچوب میتواند عمل کند. سرمایه داری در ایران نمیتواند بر مبنای قدرت بالای تکنولوژیک و دانش فنی باز سازی شود. نمیتواند حوزه صدور سرمایه در عرصه های تعیین کننده تولیدات مورد نیاز در جامعه باشد. ریاضت اقتصادی و کار ارزان تنها الگویی است که میتواند سرمایه را به گردش در آورد و امیدی به تخفیف

آترناتیو نقدی به نفس مناسبات اقتصادی حاکم و استثمار کارگر و تلاش سرمایه برای انباشت سود از قبل دسترنج کارگر ندارد. اگر انتقادی هست این است که رژیم اسلامی را حکومتی "ناتوان" در چهارچوب اقتصاد کاپیتالیستی قلمداد میکند. از این رو خواهان ادغام همه جانبه سرمایه داری ایران در اقتصاد جهانی اند. مدافع بازار آزاد و رقابت سرمایه ها هستند. مدافع بی قید و شرط قوانین کور و خشن بازار بر زندگی مردم اند. خواهان رفع موانع حقوقی و سیاسی گردش سریع و انباشت سرمایه اند. شاخصهای این آترناتیو را میتوان با کلمات کلیدی مانند: "شکوفایی اقتصادی"، "اقتصاد پویا"، "توسعه اقتصاد ملی"، "باز آوری اقتصادی" بیان کرد. در این شاخصها جایی برای درجه رفاه و تامین اجتماعی، آسایش و امنیت اقتصادی، و برابری اجتماعی و اقتصادی نیست. نه وعده ای در کار است نه حتی توهمی در این زمینه جایز است.

این نیرو مدافع بی چون و چرای سیاستهای ریاضت کشی اقتصادی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است. از طرح ارتجاعی حذف سوبسیدهای احمدی نژاد علیرغم اختلافات با حکومت اسلامی بدون کوچکترین شرمی دفاع کردند. واقعیت این است که آترناتیو راست کوچکترین توهمی به سیاست تعدیل اقتصادی، و ذره ای توهم به برابری اقتصادی ندارد. سیاست "ریاضت کشی"

بحران اقتصادی سرمایه در ایران داشته باشد. از این رو نه تنها نیروی کار باید ارزان باشد بلکه باید ارزان هم باز تولید شود و ارزان هم نگاه داشته شود. نتیجتا سطح دستمزد و شرایط زندگی و کار طبقه کارگر و توده مردم زحمتکش باید پایین و قابل رقابت با سایر جوامعی باشد که بر مبنای این الگوی اقتصادی سازمان یافته اند. راه دیگری در مقابلشان نیست. از این روست که بدون توهم بر طبل ریاضت کشی اقتصادی میکوبند. چرا که افزایش توان و قدرت اقتصادی کارگر کارایی این الگو و آترناتیو اقتصادی راست را به سرعت به بحران میکشاند. بیهوده نیست که ما از مدافعين این آترناتیو حتی نمی شنویم که مثلا دستمزد کارگر در فردای به قدرت رسیدن این جریان مشابه دستمزد کارگر در فرانسه و انگلستان و یا آمریکا باشد. چرا که اقتصاد سرمایه داری در ایران را نمیتوان با دستمزدی معادل دستمزد کارگر در این جوامع سرپا نگهداشت و دچار بحران نشد. الگوهای اقتصادی مشابه را باید در فیلیپین و پاکستان و چین و ویتنام حداکثر جستجو کرد. بطور خلاصه دستمزد بالا و سود سرمایه در این الگوی اقتصادی غیر قابل جمع اند.

تبعات چنین الگوی اقتصادی روشن اند. دستمزد نازل کارگر یک رکن پایه ای این اقتصاد است. بعلاوه دستمزد نازل کارگر به معنای محرومیت توده مردم زحمتکش از وسایل و مایحتاج و نیازمندیهای

جوهر سیاست اقتصادی جریان متبوعشان را نیز با کلمات و مفاهیم مشابهی تکرار کرد. باید بیشتر کار و کمتر دریافت کرد.

معنای عملی آلترناتیو اقتصادی راست چیز جز شکاف عظیم طبقاتی، محرومیت، و کار طاقت فرسا نخواهد بود. این سهم کارگر و توده مردم زحمتکش در این آلترناتیو بورژوازی است.

اما این تنها آلترناتیو مقابل جامعه نیست. آلترناتیو دیگری موجود است. آلترناتیو کارگری - سوسیالیستی. در آلترناتیو مقابل نه سود، نه انباشت سرمایه بلکه رفاه و رفع نیازمندیهای همگان اساس فعالیت اقتصادی جامعه را تشکیل میدهد. جامعه ای که سهم اکثریت تولید کنندگان فقر و فلاکت و محرومیت نیست. رفاه و برابری اقتصادی یک رکن پایه ای فعالیت جامعه است. *

"ایران نمیتواند وارد عصر توسعه اقتصادی شود بجز از طریق انباشت سرمایه... اما در یک کشور توسعه نیافته مانند ایران چگونه میتوانیم انباشت کنیم؟ بجز از طریق ریاضت؟ بجز از طریق اینکه از مردم خواسته شود، بیشتر تولید کنید و کمتر مصرف کنید؟ ... جامعه ای که مردم آن بیشتر مصرف میکنند و کمتر تولید میکنند هرگز قادر به توسعه نخواهد بود. ... ما نمیتوانیم نعمت را که سرمایه ملی است بفروشیم و پنیر و تخم مرغ و کره و گوشت بخریم و بدهیم شماها بخورید! مصرف را باید کم کرد، باید قناعت کرد و تولید را بالا برد!"

سالها بعد داریوش همایون نیز

از طرف دیگر سطح و استاندارد زندگی کارگر و مزدبگیر در جامعه ملاک و شاخص زندگی و استاندارد زندگی اکثریت عظیم شهروندان جامعه است. واقعیت پایه ای این است که کارگران و مزدبگیران اکثریت عظیم جامعه را تشکیل میدهند. در نتیجه در چنین جامعه ای اکثریت عظیم توده های مردم محروم خواهند بود.

در چنین الگوی خدمات پزشکی رایگان و قابل دسترس برای همگان یک آرزو است. حداکثر کالایی است که باید خریداری شود. رایگان نیست. بخشی از حقوق پایه ای و طبیعی شهروندان نیست. سرنوشت آموزش و آموزش عالی نیز متفاوت خواهد بود. آموزش در تمامی سطوح رایگان خواهد بود. کیفیت آموزش بر حسب هزینه دریافت شده توسط موسسات آموزشی تعیین خواهد شد. در این آلترناتیو مسکن نامناسب و معضل دائمی مردم خواهد بود. حق معاش، حق برخورداری از ضروریات زندگی متعارف در جامعه، حق فراغت و تفریح و آسایش، حق سلامتی جایی بطور متعارف در این آلترناتیو نخواهد داشت. در یک کلام سرنوشت و مقدرات زندگی را مکانیسم "بازار" و "رقابت" و "انباشت سرمایه" تعیین خواهد کرد.

چند سال پیش ابراهیم یزدی، رهبر نهضت آزادی، جوهر اقتصادی و واقعیات این آلترناتیو را به روشنی چنین بیان کرد:

عمومی یک زندگی انسانی در جامعه است. جدال بر سر پایین نگهداشتن دستمزد کارگر، جدالی بر سر سرنوشت و کارایی این آلترناتیو اقتصادی است. از این رو در این آلترناتیو خبری از دو روز تعطیل در هفته نخواهد بود. ۴۵ روز مرخصی سالانه مترادف چوب لای چرخ این اقتصاد قرار دادن است. خواست حداکثر ۳۰ ساعت کار در هفته غیر ممکن و ندیدن "واقعیات و ملزومات اقتصادی" جامعه و "تن پروری" کارگر به حساب می آید. مطالبه بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده به کار امری لوکس و توطئه بر علیه ملزومات "شکوفایی اقتصادی" است. حقوق و مزایای بازنشستگی که تامین کننده یک زندگی انسانی برای سالمندان باشد رویایی تماماً دست نیافتنی در این آلترناتیو هستند. حتی ایمنی در محیط کار با راندمان کاری و تضمین برنامه ریزی تولیدی و سرعت خط تولید خوانایی ندارد. اخراج و "تعدیل نیروی کار" بخشی از سیاست تامین انضباط سرمایه در محیط کار است. سرمایه برای انباشت باید دارای هرگونه "انعطافی" باشد. بتواند کارگر را اخراج کند. بیکارش کند و از زندگی محرومش کند. در این آلترناتیو اعتصاب کلامی ممنوعه است. تجمع کارگر و برگزاری مجمع عمومی جرمی از پیش اعلام شده و قانونی شده است. تشکل کارگر ممنوعه است. اگر امروز در تبلیغاتشان تشکل غیر قانونی نباشد، فردا که نیاز پایین نگهداشتن دستمزد در دستور قرار بگیرد بدون تردید ممنوع خواهد شد. همانطور که سابقه تاریخی الگوهای مرود نظرشان نشان داده است.

یک دنیای بهتر

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هر یک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسیم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بی شمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.



آنر ماجدی

انتخابات فرانسه و راست افراطی

بر سر چپ چه آمده است؟

رسانه ها با سر و صدای زیادی نتیجه دور اول انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه را منعکس کردند. مساله عمده در اخبار و گزارشات رشد جریان "راست افراطی" تحت نام "جبهه ملی" است که کمی بیش از ۱۸ درصد آراء را نصیب خود کرده است. این جریان در سال ۲۰۰۲، زمانی که ژان ماری لوپن، پدر لیدر فعلی آن، لیدر حزب بود کمی بیش از ده درصد آراء را نصیب خود کرده و به دور دوم انتخابات راه یافته بود. رسانه های بستر اصلی عموماً یک نگرانی عمومی از رشد جریان راست افراطی ابراز می کنند. بعضاً به وضعیت سخت اقتصادی و سیاست های ریاضت کشی بعنوان یکی از فاکتورهای این رشد اشاره می کنند؛ اما بیشتر بر اروپا گریزی و تمایلات ضد یورو و همچنین مخالفت با مهاجرت و کم رنگ شدن هویت فرانسوی تاکید دارند.

آیا این تنها مساله قابل توجه در انتخابات فرانسه است؟ باید گفت عموماً نتایج انتخابات و دموکراسی پارلمانی کم و بیش روشن است و امید بستن به این پروسه برای اینکه زندگی مردم کارگر، زحمتکش و عادی را بمعنای واقعی بهبود بخشد، امید بیحاصلی است. ضمناً آرای ریخته شده در صندوق تمایلات واقعی بخش وسیعی از مردم را بیان نمی کند. انتخابات نتیجه معدل گیری پراگماتیستی مردم است. انتخاب محدود است. مردم عموماً میان دو سه حزبی که تفاوت اساسی چندانی با یکدیگر ندارند، باید انتخاب کنند. دقیقاً باین علت بخشی از مردم اصلاً در انتخابات شرکت نمی کنند. بعضاً آراء نه بمعنای رای اثباتی به فرد یا حزب

معین نیست؛ بلکه یک رای سلبی به جریان حاکم است؛ یک رای اعتراضی. در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه این فاکتورها کاملاً بچشم می خورد.

رسانه ها در تحلیل از نتیجه انتخابات، علت اصلی افزایش رای جبهه ملی یعنی جریان راست افراطی را در رشد سیاست های بیگانه گریزی، تمایلات ضد مهاجرین، بویژه "ضد مسلمان" و در یک کلام راسیستی می دانند؛ و سارکوزی رئیس جمهور فرانسه فی الحال در تلاش برای جلب آراء لوپن در دور دوم انتخابات، کمپین انتخاباتی را با شعار "حمایت از روش زندگی فرانسوی" به پیش می برد و قول داده است که کنترل شدیدتری بر مرزها اعمال کند، مهاجرت را کاهش دهد و سیاست "جنس اروپایی بخر" را در دستور بگذارد. اما گزارشات رسانه های مختلف بر این نیز دلالت دارد که یک علت دیگر رشد آراء راست افراطی، اعتراض به سیاست های اقتصادی دولت بوده است. یک فاکت مهم و دردناک حاکی از اینست که یک چهارم رای دهندگان به مارین لوپن، یعنی کاندید راست افراطی، از طبقه کارگر بوده اند و دومین منطقه ای که مارین لوپن در آن رای بالایی آورده است، یک منطقه صنعتی است. و طبق همین گزارشات کارگرانی که به لوپن رای داده اند، بعلت اعتراض به سیاست های اقتصادی دولت بوده است؛ یعنی آنها جلب سیاست های

چرا راست افراطی رشد کرده است؟

همواره در شرایط اقتصادی جریاناتی که افراطی خوانده می شوند، رشد می کنند. راست افراطی و چپ افراطی در شرایط بحران سرمایه داری بجلوی صحنه می آیند. این اولین بار نیست که ما شاهد رشد جریانات راست افراطی در اروپا هستیم. اما آنچه را که رسانه ها پرده پوشی می کنند، رشد چپ افراطی است؛ رشد چپ افراطی از راست بسیار وسیعتر است؛ اما رشد چپ افراطی را در انتخابات پارلمانی نمی توان مشاهده کرد. شکل گیری آنچه به جنبش ۹۹ درصد معروف شد خود بیانگر تلاش توده های مردم برای پاسخ های غیر معمول، غیر بستر اصلی به مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. در تمام کشورهای اروپای غربی جریانات چپی که دموکراسی پارلمانی را به زیر سوال برده اند و بشدت منتقد سیاست های دولت های موجود در قبال بحران اقتصادی هستند و خواهان تغییرات اساسی در نظم موجودند، بسیار رشد کرده اند. بحث "دموکراسی مستقیم" یکی از مباحث مهمی است که در میان جنبش توده ای اعتراضی طرح شده است. فی المثل هم اکنون در کنار رشد جریانات راست و راسیست در یونان، که رسانه ها از آن صحبت می کنند، جنبش اعمال کنترل کارگری بر محل کار و تولید و برگزاری مجامع عمومی در حال رشد چشمگیر است. در رسانه های

رسمی و بستر اصلی در این مورد چیزی نمی بینید.

در همین انتخابات فرانسه، آنچه چپ افراطی خوانده می شود حدود ۱۶ درصد آراء را نصیب خود کرد. اما در هیچیک از گزارشات جایگاه خاصی به این مساله اختصاص داده نمی شود. بعضاً بشکلی گذرا به رهبر جبهه چپ، ژان لوک ملنشون، که بیش از ۱۱٪ آراء را بدست آورده است، اشاره می شود. بعلاوه تعدادی احزاب چپ تر نیز در انتخابات شرکت داشتند که مجموعاً حدود ۵٪ آراء را کسب کرده اند. این سیاست رسانه ها نه اتفاقی است و نه از هراس از راست افراطی. حکومت های بورژوازی و ایدئولوگ هایشان، که رسانه ها یک بخش مهم آنرا می سازند، بسیار هدفمند وقایع سیاسی را گزارش و تحلیل می کنند. به رشد چپ و جنبش توده ای که علیه حکومت است اشاره ای گذرا می کنند، اما رشد آراء راست افراطی را در بوق و کرنا می کنند.

هدفشان ترساندن مردم از رشد راست افراطی و یادآوری دوران هیتلر و جنگ جهانی دوم است. با یادآوری آن دوره سیاه و تاریک در تاریخ اروپا می کوشند که مردم را اسیر احزاب بستر اصلی نگاه دارند و مانع رشد چپ و کمونیسم در جامعه شوند. بسیاری از مردم اعلام می کنند که تفاوت محسوسی میان سیاست های سارکوزی راست و اولاند باصطلاح چپ نمی بینند. سیاست های

انتخابات فرانسه و راست افراطی

بر سر چپ چه آمده است ...

اقتصادی شان کمابیش یکی است. از همین رو است که یک جریان سوم پیش از این انتخابات و با هدف شرکت در انتخابات شکل گرفت که تلاشش جلب و جذب مردم ناراضی و توده کارگر و زحمتکش بود. اما این جریان نیز اقبال چندانی نداشت. حدود ۱۱٪ آراء را کسب کرد؛ زیرا مردم در ته ذهنشان می دانند که انتخابات علاج دردشان نیست. علاج بیکاری، فقر، تبعیض و مشقتی که اکثریت مردم به آن دچار شده اند، نیست. اما بالاخره، در پی سیاست انتخاب میان بد و بدتر در انتخابات شرکت می کنند. البته در انتخابات فرانسه حدود ۷۰ درصد واجدین حق رای شرکت کرده اند.

مساله اصلی در اروپا، اکنون اقتصاد است. مردم با چنگ و دندان دارند علیه سیاست های ریاضت کشی می جنگند. یونان هر روز شاهد جنگ و گریز مردم با پلیس است. هر روز تعداد بیشتری از مکان های کار و تولید به سیاست کنترل کارگری می پیوندند؛ اما زمانیکه همین رسانه ها وضعیت را تحلیل می کنند، نه

این یک واقعیت است. اما همانگونه که در بالا اشاره شد، رشد جنبش های توده ای اعتراضی به دولت و سیاست های ریاضت کشی یک فاکتور بسیار عیان تر در اروپا است. در یونان، اسپانیا و ایتالیا بخصوص ما شاهد اعتراضات میلیونی علیه سیاست های راست بوده ایم. در انگلستان قدرتگیری دولت دست راستی با تظاهرات و اعتراضات جوانان و برخی از اتحادیه های کارگری و نیروهای چپ و کمونیست علیه سیاست های ریاضت شکی آن مواجه شد.

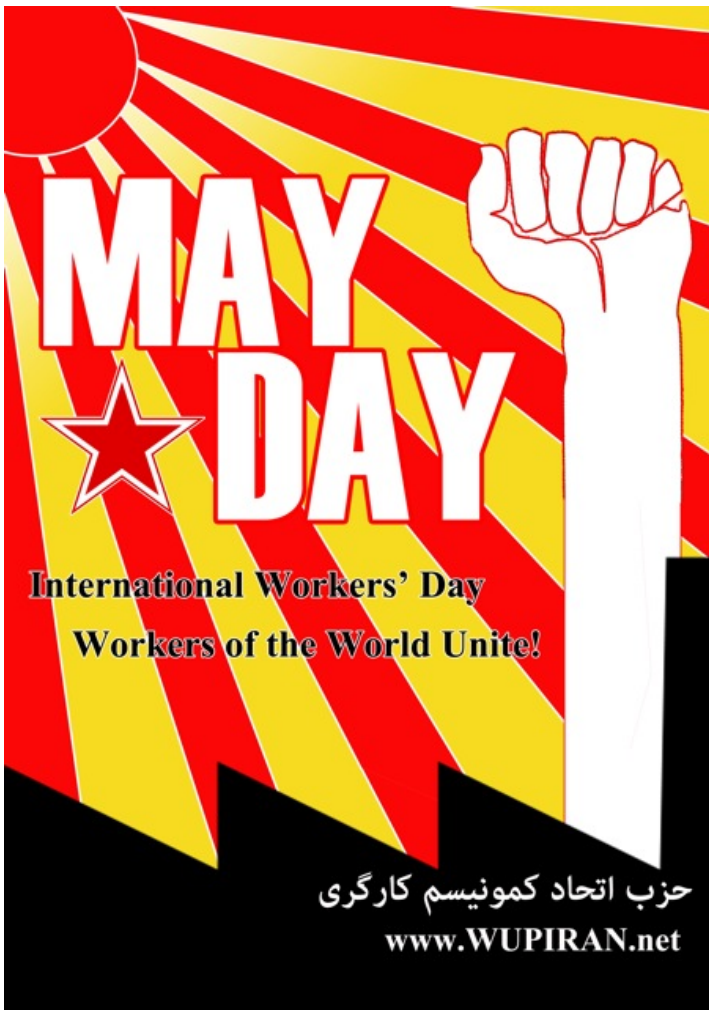
جالب اینجاست که بمناسبت انتخابات در فرانسه، برخی رسانه ها از یک کنفرانس راست افراطی در دانمارک صحبت کردند. حدود ۵۰ نفر از جریان راست افراطی از اسکانديناوی، بریتانیا، آلمان و اروپای شرقی در کنفرانسی که قصدش هشدار به رشد افراطی گری اسلامی بود، در دانمارک جمع شدند. اما جالب اینجاست که تظاهرات وسیع جوانان چپ این کنفرانس را بهم ریخت. واقعه کنفرانس در رسانه ها برجسته می شود، اما به حضور نیروهای چپ صرفاً بشکلی گذرا اشاره می گردد. این یک سیاست کاملاً هدفمند بورژوازی است که رشد چپ و کمونیسم و جریان ضد کاپیتالیستی را کوچک و کم اهمیت جلوه دهد و در عوض رشد جریان راست

افراطی را بسیار بزرگتر از اهمیتی که دارند.

همین تبلیغات خود راه را برای رشد بیشتر جریانات راست افراطی باز می کند. اما نزد بورژوازی، بزرگ کردن خطر راست افراطی یک راه مسلم مقابله با کمونیسم و جریانات کارگری و ضد کاپیتالیستی است. این واقعیت را باید دید و افشاء کرد. متأسفانه ضعف و بحران جنبش کمونیستی به این سیاست کمک می کند. هنوز پس از سقوط شوروی جنبش کمونیستی دچار سر درگمی و گیج سری است. کمونیسم بورژوازی روسی بحق جذابی برای توده های کارگر و نسل جوان ندارد. کمونیسم کارگری نیز نتوانسته است در قامت یک جنبش پاسخگو به مسائل ظاهر شود، تحزب یافته در جامعه حضور یابد و توده های ناراضی کارگر و زحمتکش را به زیر پرچم خود جمع کند. لذا، علیرغم وجود یک جنبش توده ای وسیع و میلیونی ضد کاپیتالیستی ما شاهد رشد احزاب کمونیستی کارگری نیستیم. راست افراطی را باید عقب نشانند. راه عقب نشانند و امحای کامل این جریانات رشد و تحزب کمونیسم کارگری تحت پرچم واژگونی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم است. *

انقلاب کمونیستی

محور اساسی انقلاب کمونیستی، لغو مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید، و تبدیل آن به دارایی جمعی کل جامعه است. انقلاب کمونیستی به تقسیم طبقاتی جامعه خاتمه میدهد و نظام مزد بگیری را از میان برمیدارد. بازار، مبادله کالایی و پول حذف میشوند. بجای تولید برای سود، تولید برای رفع نیازهای همه مردم و برای رفاه هرچه بیشتر همه انسان ها میشوند. کار، که در جامعه سرمایه داری برای اکثریت عظیم مردم تکاپویی ناگزیر و چشم بسته و فرسوده کننده برای امرار معاش است، جای خود را به فعالیت خلاق و داوطلبانه و آگاهانه مردم برای هرچه غنی تر کردن زندگی انسانی میدهد. هرکس، به اعتبار انسان بودن و چشم گشودن به جامعه انسانی، به یکسان از کلیه مواهب زندگی و محصولات تلاش جمعی برخوردار خواهد بود. از هرکس به اندازه قابلیتش و به هرکس به اندازه نیازش، این یک اصل اساسی جامعه کمونیستی است.



اول مه روز کارگر است!

در اینروز نه شاهی
تاجگذاری کرده، نه دین و
آئینی آمده، و نه "ملتی"
درست شده است!

اول مه روز فریاد نه به
سرمایه داری و زنده باد
انقلاب کارگری است!

اول ماه مای، روز جهانی کارگر، روز اعلام جرم علیه سرمایه داری و مذهب!

اول ماه مای، روز جهانی کارگر، روز نمایش قدرت و همبستگی طبقه کارگر در پیش است. در این روز با پرچم زنده با سوسیالیسم، پرچم انقلاب کارگری و در همبستگی جهانی کارگران به میدان می آیم تا هر چه بیشتر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را افشاء کرده و مبارزه آزادیخواهانه و برابری طلبانه کارگران و مردم ایران را تقویت کنیم.

میز اطلاعاتی

زمان: سه شنبه اول ماه مای 2012 از ساعت 9-13

مکان: یرن توریت

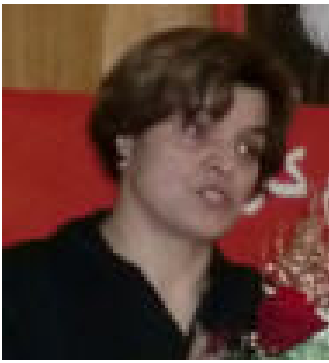
راهپیمایی

راس ساعت 14

زنده باد اول ماه مای، زنده باد همبستگی بین المللی طبقه کارگر
نابود باد سرمایه داری، مرگ بر جمهوری اسلامی

تشکیلات خارج کشور حزب اتحاد کمونیسم کارگری - واحد سوئد

24 آوریل 2012



اول مه روز کارگر است، روز دفاع از سرمایه نیست!

نسرین رمضانعلی

بالا میکشند که بخشی از آن حقوق نپرداخته کارگران است.

زندگی‌شان اسفبارتر میشود، وارد میدان شوند و یکسری آمار و ارقام بدهند. بخیال خود میتوانند این خشم فروخورده کارگران را مهار کنند. در حالی که حداقل بیش از 3 ماه است در مراکز و محیط کارگری و محافل کارگری بحث برسر آماده شدن برای روز جهانی کارگر است.

امسال شورتر از هر سال خانه کارگر هم به جنب جوش افتاده است. گردن کج کرده در مقابل کارگران میخواد بگوید ما تشکل واقعی شما کارگران هستیم، مگر نمیبینی تقاضای مجوز کردیم دولت به ما مجوز نداده است؟ مگر نمیبینی کمیته های برگزاری اول مه تشکیل دادیم؟ ولی مقصر اون شهردار و یا فرماندار است که به جناح احمدی نژاد یا خامنه ای وابسته است برای همین به ما مجوز راهپیمایی نمیدهند. و در همین حال میخواد نقش اول ضربه گیر کارگری را در حکومت بازی بکند و بگوید ببینید میخوام نظام را از این خشم فروخورده نجات بدهم. کارگران میدانند که وقتی هم به خانه کارگر مجوز میدهند، تلاش دارند تریبون را به وسیله تملق حکومت و سیاستهای ضد کارگریش تبدیل کنند. حکومت در حالی که یکی بعد از دیگری چهرهای شناخته شده و فعالین کارگری را دستگیر کرده و در این روزهای نزدیک به روز کارگر آنها را با وثیقه های سرسام آوری آزاد میکند، از آنها میخواد تعهد بدهند و امضا بدهند در روز جهانی کارگر سهمی ندارند. همینطور از زبان مزدوران خانه کارگر اعلام میشود هر کارگری که در روز جهانی کارگر در هر تجمع و اعتراضی شرکت بکند اخراج خواهد شد.

صفحه ۹

و حالا، تحت عنوان "قرارداد مستقیم" سرمایه داران و کارفرماها و شرکتهای پیمانی و دولت در یک همدستی کاملا آشکار و غیر قابل انکار وارد عمل شده اند. ناگهان از یکطرف پیمانکاران اعلام ورشکستگی میکنند و از طرف دیگر کارفرما و دولت مستقیم وارد عمل میشوند و اعلام میکنند اگر اعتراضی نکنید، اگر موافق همین حداقل دستمزدهای تعیین شده باشید، با شما قرارداد مستقیم خواهیم بست! و معنی این حرف تنها این است کارگری که ماههای زیادی از پیمانکار و کارفرما پول طلب دارد، از چشم بپوشد و "قرار داد مستقیم" امضا کند. قراردادی که بربریت هر چه بیشتری را به وی تحمیل میکند و در حالی که معلوم نیست در این قرارداد فردا برای حقوق کارگر چه تضمینی هست، به کارگران قول "امنیت شغلی" را میدهند. کارگران باید هشیارانه به این روش حکومتیها و کارفرما برخورد کنند.

مسئله دوم حذف سوبسیدها است که در ابتدای سال جاری اعلام شده است دولت با کمبود بودجه روبرو شده است و فعلا در حال حاضر رسماً 15 میلیون نفر را از دریافت یارانه ها محروم کردند و بقیه هم که شامل دریافت یارانه میشوند خبری از یارانه نیست و کل این سود را حضرات به جیب میزنند. کارگران به خوبی آگاهی دارند وقتی مزدوران خانه کارگر و شورای اسلامی اعلام کنند که کارگران رسمی در خط مرگ قرار گرفتند، یعنی شدت فقر و بدبختی طبقه کارگر چنان عنان گسیخته است که بخشی از همدستان همین حکومت هار اسلامی مجبور شدند برای ایجاد توهم، برای کنترل خشم کارگران که هر لحظه وضعیت


داشت سراسری تر عمل کند و ابعاد تازه ای به خود بگیرد. برای نمونه اعتراضات پتروشیمی ماهشهر تا آنجا پیش رفت که نماینده های کارگران پتروشیمی ماهشهر در ملاقاتهایی با نمایندگان سایر پتروشیمیهای دیگر در تدارک یک اعتصاب سراسری برای افزایش دستمزد، لغو قرارداد موقت و پیمانی، و تامین امنیت شغلی برای کارگران بودند. این حرکت رژیم را هاج واج کرده بود و هنوز شوک است. فعلا با وعده قرارداد مستقیم و از بین بردن دلالتان و واسطه های کار تلاش داشته این مبارزات را کنترل کند.

در این میان باید اشاره داشت به توطئه و دسیسه های دولت و کارفرما و پیمانکاران برای ساکت کردن اعتراضات کارگری. آنها تلاش میکنند در مقابل گسترش مبارزات کارگران به توهم پراکنی گسترده دست بزنند تا کارگران را در انتظار نگه دارند و صفوف شان را متفرق کنند. یکی از این وعده ها بستن قرارداد مستقیم است. داستان جدید قراردادهای مستقیم از اینجا ناشی میشود که در صنعتی ترین مراکز تا کوچکترین کارخانه بطور روتین کارگران از 1 ماه تا چند سال حقوق طلب دارند. مبارزه و اعتراض برای پرداخت حقوقهای معوقه و افزایش دستمزد یکی از خواستهای اساسی کارگران بوده که بطور نسبی در روز بین 2 تا 3 تجمع و اعتراض را در بر گرفته است. این تجمعات در مقابل دفتر مدیریت، اداره کار، فرمانداری، استانداری، و در شرایطی در مقابل مجلس صورت گرفته است. سرمایه داران و جنایتکاران حکومت اسلامی میلیارد میلیارد پول

در آستانه روز جهانی کارگر هستیم. با نزدیک شدن به 1 مه روز جهانی کارگر، وحشت رژیم اسلامی بیش از پیش خود را به نمایش میگذارد. اعتراضات کارگری در یکی دو سال گذشته بشکل بیسابقه ای رشد کرده است. تنها نگاهی به تیتر اخبار و روزنامه های حکومت که فقط بخش سر و دم بریده تعدادی از این اعتراضات را منعکس میکنند نشان میدهد کارگران هر روزه و هر لحظه در جنگی نابرابر قرار گرفتند و نشان میدهد که کارگران در شکل مبارزاتی خود نیز تغییراتی اساسی را ایجاد کرده اند. طبق آمار بطور متوسط روزانه بین دو تا سه اعتراض کارگری در جریان بوده است که با توجه به اخبار از منابع دیگر این آمار واقعی نیست و اعتراضات کارگری خیلی بالاتر از این بوده است. این اعتراضات اساساً برای پرداخت حقوقهای معوقه، افزایش دستمزد، حق تشکل، حق انتخاب نمایندگان مستقل کارگران، حق بیمه و مزایا و عیدی و پاداش، حق شیفت بوده و همینطور کارگران در کنار خواست حق تشکل خواهان امنیت شغلی و لغو قراردادهای موقت و سفید امضا و کار پیمانی بودند.

از اواخر سال گذشته تا اوایل امسال کشمکش برای تعیین حداقل دستمزدها در جریان بود. نمایندگان دولت و کارفرما حداقل دستمزد را تعیین کردند و تعیین حداقل دستمزد با اعلام خط مرگ کارگر اعلام شد. از ابتدای سال جاری ما شاهد اعتراضات بیش از پیش بودیم و قریب به اتفاق این اعتراضات بر سر دستمزدها و حقوقهای معوقه بوده است. این بدان معنی نیست که کارگران خواستهای دیگر نداشتند و یا طرح نکردند اما اولویت کارگران در این اعتراضات بر حقوقها و مزایا بوده است. این اعتراضات تلاش

اول مه روز کارگر است، روز دفاع از سرمایه نیست ...



The basis of capitalist society is this deplorable fact that a large section of it, its majority, must in order to live in a world it has been born into sell its bodily and intellectual powers to a minority. It is a society where the production of people's essentials has been tied to the profitability of capital. And this is the root of all these inequalities and deprivations. Wage labour, division of society into worker and capitalist, into wage-earner and wage-giver, degradation of work from being a productive and creative activity to a 'job', to a way of earning a living, are in themselves verdicts of the bankruptcy of this system.

**Workers of the World Unite!
Long Live Socialism!
Long Live Workers' International Solidarity!**

www.wupiran.net
Worker-Communism Unity Party- Iran

یک تن واحد ظاهر شود. هر ساله با دستگیری همکارانمان و با نظامی کردن مناطق اعلام شده برای تجمع و راهپیمایی فضای اختناق و فشار را بیش از پیش میکنند. یک واقعیت غیره قابل انکار این است که طبقه حاکم بر جامعه بشدت از متشکل شدن هر چهار نفر ما بخود میلرزد. تاریخ نشان داده است هر زمانی ما بعنوان یک صف مستقل، بعنوان یک تن واحد در مقابل سرمایه قد علم کردیم، حاکمین مجبور شدند عقب بنشینند و در مقابل خواستهای برحقمان سرفرود بیاورند. وضعیت ما کارگران در ایران به هر لحاظ بشدت شکننده است. فقر، بیکاری، اعتیاد، فحشا و هزاران مصیبت دیگر را این حاکمین به ما تحمیل کردند تا خود در کاخهای رویایی شان زندگی کنند و بهشت روی همین سرزمین را به ما در آخرت وعده میدهند.

این اون فضائی است که از ماهها پیش در میان کارگران به یک کشمکش بدل شده است. به کدامین اشکال باید این روز را نه تنها گرمی داشت و جشن گرفت بلکه کيفرخواست مان را علیه این دنیای نابرابر، کيفرخواست مان را علیه این نظام فاسد اسلامی سرمایه داری اعلام کنیم. چگونه باید وارد میدان شویم تا به کمترین هزینه بیشترین دستاورد را داشته باشیم؟ چطور میشود کارگر نفت، گاز، نساجی، پتروشیمی با کارگران معادن و ساختمان دست در دست هم به این جدال تاریخی بروند. رژیم هار اسلامی که مزدورانش را در محیط کار و زیست کارگران سازمان داده تا خیرچینی بکنند اگر چه بجز خیرچینی قدرت نداشتند هیچ غلطی بکنند. اما دولت بنا بر همین گزارشات میداند اولاً وضعیت و زمزمه های کارگران در سراسر ایران چگونه است و برای جلوگیری از هر حرکتی که از نظر خودشان غیر قابل کنترل بشود سعی میکنند خوداری کنند. لذا این مزدوران خانه کارگری را جلو انداختند. در حالی که سالهاست کارگران اعلام میکنند در این روز خیابانها مال ماست و هر ساله هم در ابعاد بزرگ و کوچک تلاش کردند خیابانها را از آن خود کنند. امسال خانه کارگر میخواهد بگوید مجوز نمیدهند، هر کسی در هر تجمعی شرکت کند اخراج شود و یا کارگران رسماً تهدید شدند که با آنها قرارداد مستقیم بسته نمیشود. در عوض یک فرم 11 صفحه ای قرارداد بربریت که اسمش را قرارداد مستقیم کار گذاشتند پخش کردند و وعده امنیت شغلی داده اند.

رفقای کارگر،

در اول مه با پرچم کارگران جهان متحد شوید و نفی سرمایه داری به میدان خواهیم آمد. زنده باد روز جهانی کارگر! *

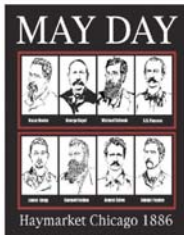
ما خوب میدانیم هر ساله با فرارسیدن و نزدیک شدن به روز جهانی کارگر کل دم دستگاه این حکومت هار اسلامی به تکاپو خواهد افتاد که در مقابل ما بعنوان

زنده باد اول مه روز جهانی کارگران!

شورا برگزار میکند:

سخنرانی و پرسش و پاسخ بمناسبت اول مه

پیکارهای جنبش کارگری در شرایط کنونی



سخنرانان:

- جلال محمدزاد از حزب کمونیست ایران
- سلام زیجی از حزب کمونیست کارگری - حکمیت
- سیوش دانشور از حزب اتحاد کمونیسم کارگری
- استی بیروتی فعال جنبش سوسیالیستی
- عباس منصوران فعال جنبش سوسیالیستی

زمان: روز شنبه ۲۸ آوریل ساعت ۱۴ الی ۱۸

مکان: تونل بان هوسبی، هوسبی ترف

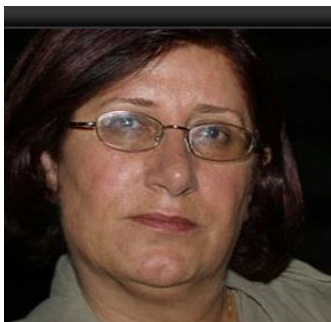
شورا از عموم آزادیخواهان و علاقه مندان برای شرکت فعال در این سمینار دعوت میکند!

کارگران جهان متحد شوید!

زنده باد انقلاب کارگری! زنده باد سوسیالیسم!

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهان مردم ایران - استکهلم
آوریل ۲۰۱۲

www.shora.se
shoraye1@gmail.com
Mobil: 0701502011



پروین کابلی

همه راه ها به رم ختم نمیشود!

جوابی کوتاه به محمد نبوی

اخیرا محمد نبوی از رهبری حزب کمونیست ایران در نشریه جهان امروز شماره ۲۸۸ در مقاله ای تحت عنوان "در بر روی همان پاشنه می چرخد" به بهانه نقد پلاتفرم رهبری حزب کمونیست کارگری - حکمتیست؛ بار دیگر از سر "ناشیگری سیاسی"، منصور حکمت را مورد هدف قرار داده است و دلی از عزا در آورده است. محمد نبوی به کورش مدرسی نقد دارد ولی از همان سطور اول منصور حکمت را نشانه میگیرد تا بتواند به نقدی "عمیقتر" از پلاتفرم حزب حکمتیست برسد. در همان سطور اول این نشانه گیری به مانند دم خروس از زیر قبای ایشان خود را نشان میدهد.

محمد نبوی در تمجید و تعریف از منصور حکمت میگوید: (منصور حکمت با تحلیل مارکسیستی از زیر بنای جامعه ایران، نقد دیدگاه "بورژوازی ملی و مترقی" از زاویه منافع طبقه کارگر، نقد سوسیالیستی پوپولیسم حاکم بر چپ ایران، نقد سبک کار پوپولیستی، وارد شدن به پروسه تشکیل حزب کمونیست ایران و تلاشهای ارزنده ای که در این زمینه انجام داد، نظریه دولت در دوره های انقلابی سیاست ها و جهت گیرهایش که در این راستا که حزب کمونیست ایران به بخشی از طبقه کارگر تبدیل شود و... خدمات شایانی به جنبش کمونیستی ایران، کومه و حزب کمونیست ایران و جنبش انقلابی مردم کردستان نمود... خدمات ارزنده وی برای هر ناظر اندک منطقی غیر قابل انکار است.

نشریه جهان امروز شماره ۲۸۸ خط تأکید از من است)

اگر خواننده "منطقی" پیدا شود و از مضمون مقاله خبری نداشته باشد بدون شک محمد نبوی را از طرفداران منصور حکمت ارزیابی میکند. اما سوالی که پیش میاید چرا این همه تعارف کردن؟ محمد نبوی در پی چیست؟ برای نبوی منصور حکمت "دوره" است. دوره ای که مارکسیست است. حزب کمونیست ایران را تشکیل میدهد. تحلیل مارکسیستی از زیر بنای جامعه ایران دارد و دوره ای که باورهایش از طرف خرده بورژواهای خارج از کشور پراتیک میشود و حزبی تشکیل میدهد که به گروه فشار "آکسیونیستها" تبدیل میشود.

برای این چرخش نبوی، باید مچ ایشان را در نقد خودش گرفت. میگوید "دور دوم از حیات سیاسی و مبارزاتی منصور حکمت با تلاش برای سازماندهی انشعاب در حزب کمونیست ایران آغاز شد." (محمد نبوی) در بر روی همان پاشنه می چرخد). چرا منصور حکمت که خود بیشترین تلاش را برای تشکیل حزب کمونیست ایران نمود و بیانیه حقوق مردم زحمتکش در کردستان را تبیین نمود و در مقابل بورژوازی کردستان که میخواست کمونیست ها را وارد به اطاعت کند جنگ کومه بر علیه حزب دمکرات کردستان را رهبری نمود، ناگهان تصمیم میگیرد که "انشعاب" را سازمان دهد؟ چه کسی چنین تغییری را یک شبه بدون هیچ تحلیلی منطقی میپذیرد؟ نه اینکه این سردرگمی محمد نبوی است که میخواهد خورشید را پنهان کند.

اما نمیداند که دستش می سوزد. بخشی از نقد و نظرات منصور حکمت در مورد حزب کمونیست ایران و دلایل انشعاب را میشود به راحتی در سایت منصور حکمت یافت و هر کتمانی در این مورد خطایی است که یقه "غیر منصفان" را میگیرد.

منصور حکمت بعد از حزب کمونیست ایران، بزرگترین حزب کمونیستی و پر قدرت دوران معاصر ایران را سازمان داد. صدها کمونیست برجسته ای که از اعضا و کادرهای حزب کمونیست ایران بودند منصور حکمت را در این امر بزرگ همراهی کردند. اگر به یمن ددمنشی جمهوری اسلامی بخش زیادی از این کمونیست ها در خارج از ایران بودند (به مانند خود محمد نبوی که از جمهوری اسلامی گریخته است) این جا دیگر باید کسی که ادعا میکند "کمونیست" است تا این حد انصاف داشته باشد که گریبان جمهوری اسلامی را بگیرد نه گریبان منصور حکمت!؟ اما منصور حکمت توانست با تبیین تزه های "حزب و جامعه" بسیاری از این کادرها را به رهبران شایسته و مورد احترامی در داخل و خارج از ایران تبدیل نماید و مبارزه علیه ددمنشان جمهوری اسلامی را وارد مرحله ای دیگر کند و مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم را به امر بسیاری تبدیل کند. چه کسی میتواند این مبارزه ات را نفی کند؟ دوستان سابق و یا منتقدان دو رویی که در همین دوره که "آکسیونیست ها" خارج را روی سرشان گذاشته بودند سکوت کرده بودند و هیچ جایی دیده نمی شدند؟

محمد نبوی "منصف" منصور حکمت را بعد از مرگش نقد میکند. از انشعابات بعدی از حزب دم گرفته و به وی میازد تا امتیاز جمع

کند. این یک بازی سیاسی مسخره است. چرا منصور حکمت را با کورش مدرسی باید مورد نقد قرارداد؟ لطفا کورش مدرسی و حمید تقوایی را روی پای سیاست های خودشان نقد کنید. اینها نه ادامه دهندگان منصور حکمت و نه به قول شما حتی "متولیان" متعهدی نیستند. کارل مارکس در ۱۸۸۳ درگذشت و ۱۱۹ سال بعد از وی اندیشه های رنگ و وارنگی بنام مارکسیسم پراتیک میشود و عکس مارکس را در دفاتریشان آویخته اند. آیا میشود بجای نقد این رنگین کمان ها یقه مارکس را گرفت و مارکس و نظرات پایه ای وی را زیر سوال برد؟ یا مارکس را دوره ای کرد؟ منصور حکمت یکی از منتقدان تیز این رنگین کمان بود. حزب شما هنوز بسیاری از قطعهنامه ها و برنامه اش به دوره منصور حکمت تعلق دارد. شما نمیتواند به همین راحتی یقه تان را از "خدمات" وی رها کنید. کجای "حکومت انسانی" به منصور حکمت رابط دارد و کجا منصور حکمت تمام ارگانهای تشکیلاتی را به حکم خود منحل میکرد؟

مگر یادتان رفته که منصور حکمت و جریان کمونیسم کارگری در جریان بحثها در مقطع انشعاب چگونه با درایت و رهبری کمونیستی این پروسه را رهبری نمود و وقتی که دید نمیتواند ناسیونالیستها و جناح های مرعوب شده حکومت قومی-

پنناگونی کردستان عراق در درون حزب را به سیاستهای کمونیسم کارگری مجاب کند، قلمش را صفحه ۱۱

همه راه ها به رم ختم نمیشود! جوابی کوتاه به محمد نبوی ...

برداشت و رفت.

اما فلسفه این همه آسمان و ریسمان کردنها چیست؟

جواب روشن است. هیچ دوره ای به اندازه دوره ی کنونی، حزب کمونیست ایران محل تاخت و تاز ناسیونالیست ها نبوده است. و هیچ دوره ای هم به این اندازه کومله و حزب کمونیست ایران، تحت فشار کمونیست های جوانی که از جمهوری اسلامی فرار میکنند و هنوز فکر میکنند این حزب هنوز رنگ و بویی از منصور حکمت را دارد زیر ضرب نبوده است. برای این جوانان باید جوابی منطقی داشت. اگر نمیشود به منصور حکمت درون کومله حمله کرد، ولی میشود بعد از مرگش وی را نقد کرد؟

واقعیت اینست که این شیخ منصور حکمت و ایده های کمونیستی و انسانیش در اطراف شماسنت که باعث ترس شده و شما را وادار کرده با روش ضد مارکسیستهای فلسفی مکتب فرانکفورت و شرکا، که به تقسیم مارکس به دوره ها و "پیر و جوان" دست زدند تا به نتایج دست راستی خودشان برسند، به این دوره بندی منصور حکمت متوسل شوید. تناقضات شما مال شما و سیاست حزب شما و نتیجه ممایشات تان با ناسیونالیسم است. منصور حکمت بی تقصیر است. رهبری حزب کمونیست ایران باید تکلیفش را با گذاشته اش که منصور حکمت در آن نقش محوری داشته است روشن کند. انتخاب با شماست. ما خوشحال میشویم که شما از گذشته کمونیستی تان و سیاستهای منصور حکمت در مقابل ناسیونالیستها و پنتاگونیستها و راستها دفاع کنید. این بسیار سیاست بهتری از مناسبات مبتنی بر نفرت ناسیونالیستی از کمونیسم کاریگری است. اما اگر از زاویه دیدگاههای راست کورش مدرسی و حمید تقوایی و "حکومت انسانی" میخوابید با گذشته و منصور حکمت تصفیه حساب کنید، راه روشن است: به نتایج عبدالله مهدی میرسید و عبارت دقیقتر بیشتر به آن نزدیک میشوید. اما این انتخاب صفوف کمونیست درون شما را قانع نخواهد کرد و سیاست تان از پیش شکست خورده است. دیگر همه راه ها امروز به رم ختم نمیشود! *



"آزادی"

یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه و سرمایه داری، یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهادهای اسارت آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی، یعنی رهایی از چنگال بردگی مزدی، رهایی از انقیاد طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشین دولتی بورژوازی، رهایی از بی حقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از پیله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش های خرافه آمیز و عقب مانده جامعه موجود، رهایی از ستم های مذهبی، قومی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت، جهل و خرافه و کل تبعیضات و مصائب جامعه بورژوازی.

اعتصاب از جمله خواسته‌های اساسی و فوری کارگران مزدا است.

کارخانه خودرو سازی مزدا واقع در جاده قدیم کرج با بیش از 1600 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای 3 و 6 و 9 ماهه و دستمزدهای 330 هزار تومانی و 2 شیفت کاری 12 ساعته و قسمت رنگ با سه شیفت 8 ساعته شبانه روزی کار سازنده انواع خودرو سواری و وانت مزدا میباشد. چهل درصد کارخانه در مالکیت سپاه پاسداران حکومت اسلامی سرمایه داران است و شصت درصد سهام کارخانه متعلق به سران اوباش و جنایتکار حکومت اسلامی است. محسن رضایی، پاسدار چاقوکش و شکنجه گر و قاتل دیروز و از سرکردگان حکومت جهل و جنایت اسلامی یکی از سهامداران اصلی کارخانه مزدا میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۹ آوریل ۲۰۱۲ - ۳۱ فروردین ۱۳۹۱

اخراج در کارخانه مزدا

درگیری کارگران اخراجی با عوامل حکومت اسلامی!

میدهند. علاوه بر اینها بنا به دستور آشوری از قرار لیست 130 نفر دیگر از کارگران بخش امور اداری و خدمات برای اخراجهای بعدی در دست تهیه و تنظیم است! سیاست اخراج و بیکار سازی، سیاست سرکوب و ارباب و پرونده سازی، سیاست تحمیل و افزایش فقر و استثمار هرچه بیشتر در کارخانه مزدا توسط حکومت اسلامی و عواملش ادامه دارد.

بازگشت به کار فوری کارگران اخراجی و محاسبه و دریافت دستمزدهای دوران بیکاریشان، لغو کار پیمانکاری و قراردادهای موقت و سفید امضا و برچیدن بساط شرکت انگل پیمانکاری راد مردان صنعت، استخدام رسمی و امنیت شغلی، بیمه بیکاری مکفی، 5 روز 6 ساعت کاری در هفته، افزایش فوری دستمزدها مطابق با تورم و هزینه های زندگی و حق تشکل و

با کمک پلیس و نیروهای سرکوبگر حکومتی به طرز وحشیانه ای کارگران اخراجی را بدون ارائه هیچ گونه جواب منطقی از کارخانه بیرون میکنند.

پیگیری و اعتراض و مراجعات مکرر تاکنونی کارگران اخراجی به مراکز اداره کار و بیمه حکومت اسلامی بعلت همکاری و تیبانی حکومت اسلامی با سرمایه داران همچنان بی نتیجه مانده است. علاوه بر اینها حتی مراجعات مکرر جمعی از خانواده های کارگران به کارخانه برای بازگشت به کار هم بدون نتیجه بوده است. یکی از زنانی که در مقابل کارخانه تجمع نموده بود میگفت: بعلت اخراج و بیکاری، بعلت فقر و محرومیت و نداری و هزار و یک بدبختی، بعلت فشارهای روانی زندگیمان را به سقوط و بن بست کشیده اند. همه راهها و همه درها را به رویمان بسته اند. شوهرم با خوردن چندین بسته قرص دست به خودکشی و انتحار زده و در بیمارستان بستری است. من در اینجا جواب میخواهم تکلیف ما چیست؟ جرم ما چیست؟

همانطوری که در اطلاعیه های پیشین اعلام داشته بودیم کارفرما و مدیران بدلیل تنگناهای ناشی از بحران اقتصادی و تحریمها و همینطور به دلیل دزدی و فساد مالی و سودجویی باندهای اوباش حکومت اسلامی در کارخانه مزدا، از چندین ماه پیش اخراج و بیکار سازی مدام و همچنین قطع سرویس ایاب و ذهاب کارگران و برخی مزایای جانبی همچنان ادامه دارد. علاوه بر اینها به موازات اعمال سیاست اخراج و بیکار سازیها، افزایش فشار کاری و تحمیل استثمار بیشتر به کارگران فعلا شاغل رشد روز افزونی پیدا کرده است.

بنا به خبر دریافتی، در طی روزهای گذشته بطور ناگهانی 290 نفر از کارگران از کار اخراج و بیکار شده اند. کارگران اخراجی در ابتدای صبح و هنگام ورود به کارخانه در محوطه کارت زنی متوجه میشوند که کارتهای ثبت ورود و خروجشان را از روی فایل برداشته اند. پس از مدت کوتاهی به کارگران اعلام میشود شماها اخراجید! خبر ناگهانی اخراج و بیکاری کارگران را که بطور دسته جمعی در محوطه کارت زنی جمع بودند به خشم می آورد. کارگران با فریاد و اعتراض خواستار جوابگویی عوامل کارفرما میشوند اما خبری از عوامل کارفرما و پاسخ نیست. کارگران که قصد مراجعه به قسمت امور اداری و پیگیری مسئله را دارند با ممانعت و مخالفت نگهبانی و عوامل حراستی روبرو میشوند. در این درگیری توسط کارگران و به نشانه اعتراض علیه اخراج و بیکار سازیها و گستاخی عوامل نگهبانی و حراست، شنبشه ها و در و پیکر قسمتهایی از کارخانه درهم شکسته شده و تعدادی از عوامل کارفرما و کار چاق کنها و پادوهای حکومتی گوشمالی داده میشوند. سرانجام پس از ساعاتی

جشن روز جهانی کارگر

در شرایطی که کارگران جهان در چهار گوشه جهان علیه سرمایه داری بپاخواسته اند، بیش از هر زمان برافراشتن پرچم روز کارگر و حمایت از مبارزات کارگری ضروری است. روز جهانی کارگر را جشن بگیریم. روز اول مه، با عزمی قاطع تر یکبار دیگر بر نفی نظام سرمایه داری و دفاع از راه حل کارگری تاکید کنیم!



استکھلم؛ سه شنبه اول مه،
ساعت 15,00 در کافه مارکس
Kungsgatan 84

از عموم علاقه مندان برای شرکت در این مراسم دعوت میکنیم

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکھلم

www.shora.se
shoray1@gmail.com
Mobil: 0701502011

امروز پنجشنبه سی و یکم فروردین ماه نیز 11 نفر دیگر از کارگران قسمتهای سالن رنگ، پرس و صافکاری از کار اخراج شده اند. آشوری مدیر کارخانه و شرکایش با گستاخی و بدون جوابگویی به کارگران و خانواده هایشان با تکیه به حراست و پلیس ضد شورش و دیگر مزدوران سرکوبگر حکومتی، جواب کارگران اخراجی را با سرکوب و تهدید و ضرب و شتم و زندان و پرونده سازی

کارگران شرکت دارو پخش یاسین!

یکماه دستمزد و عیدی پایان سال معوق!

بنا به خیر دریافتی، بیش از 45 نفر از کارگران شرکت دارو پخش یاسین تا امروز چهارم اردیبهشت ماه بخشهایی از مبالغ عیدی پایان سال و دستمزد فروردین را دریافت ننموده اند. "حسینی" مدیر شرکت در روزهای پایانی سال به بهانه های نیست و ندارم و تهدید کارگران به اخراج و بیکاری از پرداخت مبالغ کامل عیدی پایان سال کارگران طفره رفته و بطور اللحساب به هر یک از کارگران 100 تا 150 هزار تومان پرداخت نموده و با این شگرد رزیلانه عیدی پایان سال کارگران را ماستمالی و بالا کشیده است. علاوه بر عدم پرداخت عیدی کارگران در حال حاضر با گذشت 4 روز از پایان ماه خبری هم از پرداخت دستمزدهای فروردین نیست. در سال جدید قراردادهای کاری تعدادی از کارگران به اتمام رسیده عوامل کارفرما با کش و قوس دادن مسئله از تمدید قراردادها خودداری میکنند و حتی تعدادی از کارگران فاقد قراردادهای موقت و فرمایشی هم هستند. عدم تمدید قراردادها و خطر هر لحظه ای اخراج و بیکاری بمثابه حق السکوتی است که سرمایه داران و حکومت اسلامیشان از این اهرم برای تشدید و افزایش استثمار و دزدیدن دستمزدهای ناچیز کارگران بهره میبرند.

شرکت دارو پخش یاسین با 45 نفر کارگر قراردادی و روزمزد و ساعت کاری نامحدود بنا به خواست کارفرما بدون پرداخت محاسبه و پرداخت مبالغ ساعات اضافه کاری، با دستمزدهای 300 هزار تومانی از جمله شرکتهایی گسترده توزیع دارو در سطح ایران میباشد. انبار اصلی شرکت در جاده مخصوص کرج واقع است.

حسینی و همدستانش در شرکت از طریق استثمار کارگران و در تبانی و زد و بند با باندهای حکومت اسلامی در زمینه تهیه و توزیع و فروش انواع داروهای قاچاق و کمیاب و تقلبی ثروتهای میلیاردی به جیب میزنند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۲ آوریل ۲۰۱۲ - ۳۱ فروردین ۱۳۹۱

کارگران وانیا ریل راه آهن تهران

یکماه دستمزد، اضافه کار و سنوات معوق!

بنا به خیر دریافتی، 100 نفر از کارگران شرکت انگل پیمانکاری وانیا ریل راه آهن تا امروز با گذشت 4 روز از پایان ماه دستمزدهای فروردین ماه را دریافت نکرده اند. علاوه بر دستمزدهای فروردین مبالغ سنوات پایان سال و اضافه کاری اسفند ماه گذشته کارگران تا امروز پرداخت نگردیده است.

پیگیری و اعتراض تاکتونی کارگران برای دریافت دستمزدهای معوق به دلیل مخالفت و کارشکنی "علی امیر" مدیر شرکت بی نتیجه بوده است. عوامل کارفرما دستمزدهای کارگران را به گروگان گرفته و با تهدید خطاب به کارگران گفته اند: سنوات شما را نمی پردازیم هر گاه که اخراج شدید در زمان تسویه حساب نهایی محاسبه میکنیم. نپرداختن دستمزدها، تهدید به اخراج و ارباب، وعده های بی اساس و دروغ ماهیت و اقدام ضد انسانی همه سرمایه داران و حکومت اسلامی نوکرشان بر علیه خانواده های کارگریست.

شرکت پیمانکاری وانیا ریل با بیش از 100 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای موقت و سفید امضا و یکطرفه و دستمزدهای 300 هزار تومانی و ساعت کاری 8 صبح تا 5 عصر ارائه دهنده انواع خدمات تعمیرات داخلی و سیستم برق و تهویه راه آهن تهران میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۲ آوریل ۲۰۱۲ - ۳۱ فروردین ۱۳۹۱

کارکنان موسسه زبان ارتباطات

یکماه دستمزد معوق!

بنا به خیر دریافتی، دستمزدهای 60 نفر کارکنان موسسه آموزشی زبان ارتباطات تاکنون پرداخت نشده است. امروز چهارم اردیبهشت ماه در حالیکه جمعی از کارکنان زحمتکش برای دریافت دستمزدهایشان به "رود ابر" مدیر موسسه مراجعه نموده بودند. با جواب منفی ندارم و آمیخته به تمسخر رود ابر مواجه شدند. رود ابر گفته است: حالا حالا اصلا به فکر پول نباشید. اوضاع خیلی به هم ریخته است. هیچ قول و وعده ای به شما نمیدهم باید ببینیم آینده چه میشود.

عدم پرداخت دستمزدهای بسیار ناچیز و چندین برابر زیر خط فقر در حالیست که تورم و گرانی بیداد میکند. هزینه های زندگی از مسکن و خوراک و پوشاک و درمان تا همه نیازهای ابتدایی و روزمره زندگی سیر صعودی لحظه به لحظه دارد. ثروتهای میلیاردی در چنگال سرمایه داران و آخوندهای مولتی میلیاردی جانی و فاسد و دریایی از فقر و محرومیت و گرسنگی و فلاکت در همه جا موج میزند. این است کارنامه سیاه و خونین 33 ساله حکومت ننگ و کثافت اسلامی سرمایه داران!

موسسه زبان ارتباطات (آموزش زبانهای خارجی) با 60 نفر کارکنان قراردادی با قراردادهای یکساله و دستمزدهای 300 هزار تومانی و ساعت کاری صبح تا شب در خیابان ستارخان تهران واقع است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۲ آوریل ۲۰۱۲ - ۳۱ فروردین ۱۳۹۱



مزدور رژیم به دنبال داشته باشد - اما فرد مزدور از سوی دولت برزیل رها میشود تا این نیز به عنوان برگی در دست دولتهای غربی برای معامله در میزهای مذاکره آتی باشد.

میلیونها مردم کارگر و کارکن ایران، زنان، مردان، و جوانان ماهیت این رژیم را به خوبی میشناسند که تصمیم به سرنگونی آن گرفته اند. میخواهند رژیم و اسلام را همانند مسیحیت به زباله دانی بیافکنند. برای خلاصی از این فرهنگ و اندیشه جنایتکارانه بایستی رژیم اسلام سیاسی را بزیر کشید.*

رژیم اسلامی یعنی تعرض و تجاوز به بهانه آزار جنسی کودکان از سوی عوامل رژیم

پدرام نواندیش

اما این پدوفیلی اسلامی که با "تفاوت فرهنگی" توضیح داده شده است، رگ غیرت ناسیونالیست های ایرانی را متورم ساخت تا آنجا که فغان وامصیبتای آنها را مبنی بر از دست رفتن آبرو و حیثیت چند هزار ساله مملکت ایران را میتوان از کوی و برزن سایتها و رسانه هایشان شنید. این در حالی است که رژیم اسلامی هر روزه گلوی میلیونها کارگر و کارکن در ایران را می فشارد بی آنکه کمترین واکنشی از سوی این همدستان رژیم اسلامی دیده شود. در این آشفته بازار و مچ گیری ها، رسانه ها از طریق باز پخش خبر فوق تلاش دارند آن را در خدمت کشمکش ها با جمهوری اسلامی قرار دهند. در حالی که کمترین کار در این ارتباط محاکمه علنی جاسوس دیپلمات رژیم اسلامی در برزیل بوده - که مطابق قوانین برزیل میتوانست دست کم 15 سال حبس برای این

میسازد تا همچون دیگر موارد به ایران باز گردانده شود. جاسوسخانه خارجه رژیم در دفاع از عملکرد جاسوس دیپلمات خود در برازیلیا گفت اتهامی که علیه دیپلمات ایرانی مطرح شده، سوء تفاهمی است که از تفاوت فرهنگ ها ناشی می شود.

دستگاه جاسوسخانه رژیم اسلامی در این بیانیه به فرهنگی اشاره دارد که در آن، مرد میتواند نه تنها چند زن را مالک گردد بلکه تجاوز به کودکان کمتر از 10 سال را مجاز نموده و آن را قانونی و شرعی اعلام داشته و از آن به عنوان افتخارات خود یاد میکند. این اندیشه جنایتکارانه و فرهنگ تجاوز در سه دهه گذشته قربانیان بیشماری گرفته است.

پنهان کردن اخبار از سوی دولتها و نیروهای مدافع وضع موجود اگر چه تلاشی عبث اما همچنان صورت می پذیرد. خبرها خیلی زود می پیچد. خبری که با زیر آبی رفتن و تعرض به چند دختر کم سن و سال توسط یکی از جاسوس دیپلمات های رژیم در یک استخر مختلط، موجی از انزجار عمومی نسبت به رژیم اسلامی و مزدورانش را در سرتاسر جهان دامن زده است.

انعکاس خبر تعرض جاسوس دیپلمات رژیم اسلامی به دختران کم سن و سال استخری در شهر برازیلیا، مثل هر خبر تجاوز و تعدی و آدم کشی های رژیم طی 33 سال گذشته علیرغم شواهد آشکار و غیر قابل انکار، این بار نیز در ابتدا با انکار و رد آن و سپس تحریف و توجیه از سوی دستگاههای رژیم مواجه شده است. بارها جنایتکاران رژیم اسلامی در کشورهای مختلف دست به تجاوز و آدمکشی زده اند و همواره جنایات رژیم و عوامل آنها از سوی نیروهای آزادیخواه و برابری طلب چه در داخل و چه در خارج مورد افشاکاری قرار گرفته است. اما همواره دولتهای غربی بودند که از کنار تمام جنایات رژیم عبور کرده و بر آنها چشم بسته اند و مزدورانشان را پس از مدتی از زندان رها ساخته اند.

دولت برزیل، در حالی که شدت عصبانیت مردم و خانواده های کودکان مورد تعرض قرار گرفته به حدی بوده است که می خواستند اند این جنایتکار را به قتل برسانند، به جای دستگیری و محاکمه این پدوفیل اسلامی او را با ترفند مصونیت دیپلماتیک رها

زنده باد جنبش مجمع عمومی کارگران!

زنده باد شوراهای کارگری!

کارگران در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید! مجمع عمومی ظرف اعمال اراده مستقیم و مستمر توده کارگران است!

جنبش مجمع عمومی کارگری را تقویت و گسترش دهید!

کتاب کنترل کارگری را از سایت

حزب دریافت و توزیع کنید!



کارگران ایران در آستانه روز جهانی کارگر

نادر رضا نژاد

(موج آسا سابق)
10- تعداد 20 نفر در مرکز مخابراتی پیام نور (پونک)
11- تعداد 19 نفر از کارگران شرکت نو آرن

این آمار تنها یک بخش کوچک از اخراج و بیکاری کارگران در یکماهه اول سال 1391 بوده که با احتساب حداقل خانواده های چهار نفری بطور میانگین خواهیم دید که حدود 6000 نفر تنها در یک ماه گذشته تحت فشارهای مضاعف زندگی قرار گرفته اند.

کارنامه رژیم سرمایه داری ایران مملو از جنایت علیه کارگران است. این رژیم بدون جنایت، فقر، تبعیض و نابرابری نمی تواند زنده باشد. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در کنار سیاست حذف سوبسیدها، سیاست جهاد اقتصادی، تحمیل فقر و استثمار روزانه تلاش می کند آلترناتیوهای عجیب و غریب بورژوازی- اسلامی را در مقابل کارگران قرار دهد تا روز جهانی کارگر را به یک روز بی خاصیت تبدیل کند. نباید به جریانات دولتی اجازه داد تا این روز را به روز چاپلوسی برای سرمایه ایرانی و تولید ملی تبدیل کند. اول ماه مه به کارگران تعلق دارد نه به رژیم اسلامی، شوراهای اسلامی و خانه های کارگر. اول ماه مه روز اعتراض جهانی کارگران به وضع موجود است. باید این روز را به روز اعتراض علیه کلیت رژیم اسلامی حافظ منافع سرمایه داری تبدیل کرد. باید این روز را به روز نابودی جمهوری اسلامی تبدیل کرد.

کارگران ایران در این برحه از زمان باید برای مبارزه علیه وضعیت موجود سازمان یابند و به میدان آمده و با تشکل هر چه بیشتر در قالب یک حزب سیاسی کمونیستی کارگری این وضعیت را بطور بنیادی تغییر داده و دنیای شایسته و درخور خود و جامعه را ایجاد کنند. این امر تنها در سایه یک جامعه آزاد کمونیستی به وقوع خواهد پیوست.

زنده باد سوسیالیسم! زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران جهان!
منابع، سایت حزب اتحاد کمونیسم کارگری

کارگران ایران در حالی به اول ماه مه نزدیک می شوند که با شروع سال 1391 با اخراج و یا در حال اخراج شدن هستند. بطوریکه در یکماهه فروردین تنها 1148 کارگر در بخش تولید و تعداد 359 نفر در بخش فنی خدماتی به دلایلی چون عدم تمدید قرارداد، تعطیلی و ورشکستگی کارخانه ها و غیره از کار بیکار شده اند. این در حالی است که دبیر خانه کارگر، یعنی همان نهاد ضد کارگری دولتی، اعتراف میکند که سال گذشته 100000 کارگر اخراج و بیکار شده اند. این مسئله تنها مختص به کارگران صنعتی نیست در بخش خدماتی نیز تعداد زیادی از کارگران قرارداد موقت نیز در ابتدای سال به دلیل عدم تمدید قرارداد به جمع کارگران بیکار افزوده شده اند. در یک جمع بندی ساده خواهیم دید که کارگران ایران در حالی به استقبال اول ماه مه می روند که روزانه بطور میانگین تعداد 50 نفر به جمع بیکاران پیوسته اند.

اگر آماری از کارگران بیکار شده در بخشهای ساختمانی، بخش کشاورزی، کارگاههای تولیدی و خدماتی کوچک (زیر 10 نفر کارگر) کارگران شاغل در بخش دولتی در قالب شرکتهای خصوصی را به آمار فوق اضافه کنیم عمق فاجعه بیشتر عیان می شود.

آمار کارگران اخراج شده در یکماهه فروردین سال 1391 و کارگرانی که قرارداد کاری آنها در ابتدای سال تمدید نشده به شرح زیر میباشد.

- 1- تعداد 200 نفر از کارگرتن شمش چدن نوب آهن غرب کشور (کوره بلند)
- 2- تعداد 600 از کارگران کارخانه شهاب خودرو
- 3- تعداد 290 از کارگران کارخانه مزدا
- 4- تعداد 8 نفر از کارگران فرآوردههای گوشتی ربط
- 5- تعداد 50 از کارگران جنرال مکانیک
- 6- تعداد 150 نفر از رانندگان ایران خودرو
- 7- تعداد 8 نفر در مرکز مخابرات ثابت قدم تهران
- 8- تعداد 150 نفر از کارگران کارخانه نئوپان گیلان (صومعه سرا)
- 9- تعداد 12 نفر در شرکت مخابراتی تیوا

کارگران شرکت عمران نیرو

2 ماه دستمزد، سنوات و مرخصی معوق!

بنا به خبر دریافتی، بیش از 800 نفر از کارگران شرکت پیمانکاری عمران نیرو تاکنون دستمزدهای 2 ماهه اسفند و فروردین ماه و همچنین مبالغ مربوط به سنوات و مرخصی پایان سال 1390 را دریافت ننموده اند. "باهر" مدیر شرکت در روزهای پایانی سال گذشته با عوامفریبی و وعده های دروغ به کارگران مراجعه نموده و با گرفتن خط و امضا از کارگران مبنی بر اینکه مبالغ مربوط به مرخصی و سنوات را به آنها پرداخته است و این در حالیست که ریالی از مبالغ سنوات و حق مرخصی ها را نیز به کارگران نپرداخته است! و هم اکنون در مقابل کارگران معترض با گستاخی خط و امضای کارگران را به آنها نشان داده و با بیشرمی میگوید: ملاک و سند همین است که نزد من است، به هر جا بروید قانون و حکومت حق را به من میدهند. من از بابت مرخصی و سنوات به هیچیک از شماها بدهکار نیستم، این هم سند کتبی موجود به خط و امضای خودتان!

این شارلاتان حرفه ای علاوه بر بالا کشیدن مبالغ سنوات و مرخصی های کارگران در سال جدید و با اتمام قراردادهای کاری کارگران به بهانه های واهی از تمدید و اخذ قراردادهای جدید با کارگران خودداری نموده است. از عدم امنیت شغلی کارگران در حالیکه خانواده های کارگری بعلت دستمزدهای ناچیز و فقر و فلاکت اقتصادی ناشی از گرانی و تورم ساخته و پرداخته حکومت اسلامی در محاصره و رنجند، در نهایت سو استفاده و کلاشی از پرداخت دستمزدهای اسفند و فروردین ماه نیز خودداری میورزد.

در این نظام و در این جنگل وحوش اسلامی کارگران و خانواده های شرافتمندشان چیزی جز ابزار سودجویی و ثروت اندوزی سرمایه داران بیکاره و انگل و سران جنایتکار حکومت اسلامی نیستند.

شرکت پیمانکاری عمران نیرو با بیش از 800 نفر کارگر با قراردادهای سفید امضا 3 ماه تا یکسال که فعلا تمدید هم نمیشود، با دستمزدهای 300 هزار تومانی و ساعت کاری از 8 صبح تا 5 عصر و اضافه کاری تا شب، مجری انواع طرحهای ساخت و ساز نیروی مزدور انتظامی حکومت اسلامی است. دفتر مرکز شرکت در شهرک آزمایش تهران و برخی از پروژه های اجرایی ساخت و ساز در تبریز و کرمانشاه واقع است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۲ آوریل ۲۰۱۲ - ۳۱ فروردین ۱۳۹۱

و برابری طلبانه کارگران و مردم در ایران را تقویت نمود.

زنده باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر

همراه با صف ۹۹٪ به تظاهرات اول ماه مه تورنتو پیوندید!

تظاهرات در تورنتو:

زمان: سه شنبه، اول ماه مه
۲۰۱۲، ساعت ۴ بعد از ظهر
مکان: میدان شهرداری، City
Hall, Queen St, West

زنده باد اول ماه مه!

زنده باد همبستگی بین المللی
کارگران!

نابود باد سرمایه داری!

زنده باد سوسیالیسم!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

تشکیلات خارج کشور حزب اتحاد
کمونیسم کارگری - واحد کانادا

۲۲ آوریل ۲۰۱۱

اعلام کرد که بحران سرمایه داری را بر سر صاحبان سرمایه و طبقات حاکمه خراب خواهیم کرد و باید پرچم دار رهایی و رفاه کل جامعه شد.

در اجتماع اول ماه باید پرچم سوسیالیسم، پرچم انقلاب کارگری، پرچم مارکس و پرچم "زنده باد اول ماه مه" را به اهتزاز درآورد و همبستگی جهانی کارگران را هر چه بیشتر تحکیم کرد. در این روز همچنین یکبار دیگر باید برسمیت شناسی این روز را در کانادا فریاد زد. در این روز میتوان حمایت و همبستگی کارگران در کانادا را هر چه بیشتر به مبارزه و جدال کارگران در ایران با جمهوری فقر و سرکوب اسلامی جلب کرد. در این روز میتوان هر چه بیشتر رژیم سرکوب و جنایت جمهوری اسلامی را افشا کرد و مبارزه آزادیخواهانه

صف فراخوان دهندگان تظاهرات اول ماه پیوسته و جنبش اول ماه مه در امریکای شمالی میروند که به یک جنبش دامنه دارتر و قدرتمندی بدل گردد. از هم اکنون بخشی از اتحادیه های کارگری آمادگی خود برای برپایی یک تظاهرات باشکوه در این روز را اعلام کرده اند.

برای تقویت جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، برای تقویت انقلاب اجتماعی، برای خلاصی از بربریت سرمایه داری و فقر و فلاکت و بیحقوقی در این روز باید بطور گسترده به صف کارگران و سوسیالیستها و جنبش ۹۹٪ پیوست. باید تهاجم سرمایه دارن و دولتهای حامی آنان را به عقب زد. باید

اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز قدرت نمایی و همبستگی بین المللی طبقه کارگر است. به درجه ای که تهاجم طبقه سرمایه دار به کارگران و محرومان جامعه برای تخفیف بحران اقتصادی گسترش مییابد به همان میزان اهمیت نقش طبقه کارگر و الترناتیو سیاسی و اجتماعی آن برجسته تر میگردد. از این رو اول ماه مه میتواند و باید روز برافراشته شدن پرچم سوسیالیسم و روز ابراز وجود آن نیرویی باشد که عزم کرده تا تمام ارکانهای وارونه جهان سرمایه داری را درهم شکند و بر ویرانه های آن جامعه ای عاری از استثمار، نابرابری، بی عدالتی و سرکوب سازمان دهد.

روز جهانی کارگر امسال در شرایطی برگزار میشود که جنبش ضد سرمایه داری ۹۹٪ نیز به

کمونیسم کارگری

اصول اعتقادی و آرمان اجتماعی کمونیسم کارگری بر نقد ارکان اقتصادی و اجتماعی و فکری نظام سرمایه داری متکی است. نقدی از زاویه طبقه کارگر مزدی در این جامعه و به این اعتبار حقیقی و انقلابی. تلقی زحمتکشان و تولید کنندگان غیر پرولتر از آزادی و برابری و سعادت بشر، چه امروز و چه در جوامع پیشین، به ناگزیر انعکاسی از مناسبات اجتماعی حاکم بر جامعه و موقعیت خود آنان در رابطه با تولید و مالکیت است. تلقی برده از آزادی بناچار چندان از لغو برده داری فراتر نمیرفت و تجسم رعیت یا صنعتگر خرده پای شهری از برابری چیزی بیش از برابری در حق مالکیت نمیتوانست باشد. اما، با ظهور پرولتاریا بعنوان توده عظیم تولید کنندگان فارغ از هر نوع مالکیت وسائل تولید، طبقه ای که اسارت و استثمار اقتصادی اش، دقیقاً بر آزادی حقوقی اش بنا شده است، افق آزادیخواهی و برابری طلبی از اساس دگرگون شد. پرولتاریا نمیتواند آزاد شود بی آنکه جامعه بطور کلی از مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و تقسیم طبقاتی رها شود. برابری امری نه صرفاً حقوقی، بلکه همچنین و در اساس اقتصادی - اجتماعی است.

کمونیسم کارگری جنبشی اجتماعی است که با ظهور سرمایه داری و طبقه کارگر مزدی شکل گرفت و عام ترین و عمیق ترین شکل انتقاد و اعتراض طبقه کارگر به نظام سرمایه داری و مصائب آن را نمایندگی میکند. اهداف و برنامه عملی این جنبش بر نقد مارکسیستی بنیادهای جامعه سرمایه داری معاصر، بعنوان آخرین، مدرن ترین و پیشرفته ترین شکل جامعه طبقاتی، مبتنی است.

دادگاه جمهوری اسلامی ایران برگزار می شود

لندن ۱۸ تا ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲

”کشتار زندانیان سیاسی ایران در دهه شصت: در جستجوی عدالت و دادخواهی“

برای نخستین بار در تاریخ ایران و جهان، مردمی ظلم دیده و تحت ستم، که شاهد یکی از فجیع ترین جنایات تاریخ معاصر بشری و کشتار یک نسل از مبارزان سیاسی در زندان بوده اند-در حالی که دادگاه ها و نهادهای حقوقی و قضائی بین المللی از رسیدگی به آن اجتناب می کنند- پرچم دادخواهی و رسیدگی به آن را به دست گرفته اند.

چهار سال پیش، اواخر شهریور ۱۳۸۶ برابر با سپتامبر ۲۰۰۷، جمعی از اعضای خانواده های جان سپردگان دهه شصت و جان بدربرندگان از کشتار زندانیان سیاسی در این دهه، با یاری و همراهی فعالان عرصه های سیاسی و اجتماعی، حرکتی را آغاز کردند که در بدو امر تصویر و آینده آن به روشنی امروز نبود. می دانستیم رسیدگی مردمی به هولناک ترین کشتار تاریخ معاصر ایران، کار بسیار دشوار و صعب العبوری است. با دست خالی و تنها با اتکا به انگیزه و تلاش مشترکمان، می خواهیم جمهوری اسلامی را به خاطر کشتار بیش از پانزده هزار زندانی سیاسی در دهه شصت به محاکمه مردمی بکشیم.

چهار سال تلاش بی وقفه مردمی مصمم برای رسیدگی به کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت به بار نشست. این دادگاه مردمی، رژیم جمهوری اسلامی ایران و رهبران و دست اندرکاران کشتار زندانیان سیاسی را، که از روزهای پایانی خرداد 60 آغاز و در تابستان 67 به اوج رسید، به ارتکاب جنایت علیه بشریت محاکمه خواهد کرد. کشتار مخالفان در زندان در دهه شصت، مصداق جنایت علیه بشریت است. هیچ یک از ده ها هزار زندانی سیاسی، چه آن ها که اعدام شدند و چه آن هایی که جان سالم بدر برده و از زندان بیرون آمدند، در هیچ دوره ای از دهه شصت به وکیل و تسهیلات و مشاوره حقوقی و خانواده خود دسترسی و حق دفاع از خود نداشتند. محاکمات بدون طی پروسه حقوقی با ملزومات یک دادگاه واقعی، تنها با طرح چند سؤال و در اغلب اوقات تنها با ابلاغ اتهامات به زندانی برگزار می شد و وی را طی چند دقیقه به اعدام محکوم می کردند. کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت، هم چنین به لحاظ جغرافیایی، تعداد و تنوع گرایشات سیاسی و عقیدتی گسترده و طبق قوانین جزائی بین المللی مصداق جنایت علیه بشریت محسوب می شود. طبق آمارها و شواهد موجود، جمهوری اسلامی به فاصله سال های 60 تا 63، حدود 15 هزار زندانی سیاسی؛ روزانه به طور متوسط چهارده نفر و هر دو ساعت یک نفر را اعدام کرده است. جمهوری اسلامی به فاصله ماه های خرداد تا اسفند 67، چهار هزار زندانی سیاسی؛ روزانه به طور متوسط حدود 15 نفر و هر دو ساعت یک نفر را مخفیانه اعدام و در نهان در گورهای دسته جمعی دفن کرد.

دادگاه جمهوری اسلامی در دو مرحله برگزار می شود. مرحله اول به مدت پنج روز، از ۱۸ تا ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲ در مرکز حقوق بشر سازمان عفو بین الملل در لندن برگزار می شود. مرحله دوم، چهار ماه بعد از آن، در ماه اکتبر در لاهه برگزار خواهد شد. دادگاه مردمی ایران تریبونال، بزرگترین و بی سابقه ترین پروژه دادخواهی مردمی است که در تاریخ معاصر، با حضور بیش از صد شاهد، برگزار می شود.

یک تیم بین المللی حقوقی، متشکل از سرشناس ترین و مجرب ترین حقوقدانان بین المللی و ایرانی؛ پرفسور جان کوپر، پرفسور ریچارد فالدک، سیر جفری ناپس، پرفسور اریک دیوید، پرفسور پیام آخوان، دکتر نانسو هورماشیا، دکتر هدایت متین دفتری و پرفسور کادر اسمال(زویه 2011 در اثر سکنه قلبی در گذشت)، این دادگاه مردمی را سازماندهی کرده و با دعوت از شخصیت های حقوقی و غیرحقوقی و قضات سرشناس جهانی همراه با یک تیم دادستانی متشکل از هشت حقوقدان ایرانی و غیرایرانی به سرپرستی پرفسور پیام آخوان و سیر جفری ناپس، آن را برگزار می کنند.

این دادگاه، بخشی از مبارزه توده رنج کشیده مردم ایران علیه تاریک اندیشان کوردل و جنایتکار حاکم بر ایران است، که وظیفه آن نه تنها رسیدگی به کشتار زندانیان سیاسی و محاکمه جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت است، بلکه این وظیفه را نیز دارد که این تراژدی انسانی را به قضاوت افکار عمومی جهانیان بگذارد و آن را در تاریخ ایران و جهان برای آیندگان به ثبت برساند.

شرکت در دادگاه

حضور در هر دو مرحله دادگاه برای عموم آزاد و رایگان است. اما، برای حضور در آن ها ثبت نام ضروری است. علاقه مندان به شرکت در هر یک از مراحل این دادگاه مردمی، یا هر دو مرحله، می توانند از طریق تماس با آدرس ایمیل زیر، با ذکر نام و نام خانوادگی ثبت نام نمایند.

کارزار مردمی ایران تریبونال

جمعه 10 آوریل ۲۰۱۲ برابر با ۱۱ فروردین ۱۳۹۱

info@irantribunal.com

www.irantribunal.com

زنده باد شوراها

ارگانهای اعمال اراده توده ای را همه جا برپا کنید!

مصوب دفتر سیاسی حزب

۱- بار دیگر جامعه ایران در آستانه تحولات عظیم و تاریخساز قرار گرفته است. مردم آزادیخواه حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و هم اکنون دست بکار بزیر کشیدن آن هستند. پیشروی مبارزات توده های بیخوابسته مردم و تحقق سرنگونی رژیم اسلامی بشکلی سازمانیافته و در سریعترین و کم مشقت ترین شکل در گرو ساختن ارگانهای مبارزاتی و اعمال اراده توده ای مردم، شوراها، در سراسر جامعه است.

۲- یک هدف شوراها گرفتن بخش هر چه وسیعتری از قدرت توسط توده کارگران و مردم است. این ارگانهها ابزار متحد شدن، سازماندهی مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه، اعمال قدرت کارگران و مردم زحمتکش و نفی قدرت سرمایه و جمهوری اسلامی است. شوراها همچنین از ارگانهای قیام علیه جمهوری اسلامی اند. باید همه جا، در محیط زیست و کار در سطح محلی و سراسری شوراها را سازمان داد.

۳- شورا کاراترین، مناسبترین و ساده ترین ظرف اتحاد و اعمال اراده توده ای است. شورا ضامن اعمال اراده مستقیم و مستمر توده های مردم است و باید جایگزین قدرت ارتجاع اسلامی شود.

۴- طبقه کارگر باید بسرعت شوراهای خود را ایجاد کند. شوراها امر اتحاد صفوف کارگران، تامین استقلال طبقاتی و اتخاذ سیاست کنترل کارگری را تسهیل میکند. شوراها امکان حضور طبقه کارگر بعنوان رهبر شایسته جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم را فراهم میآورد. کارگران سوسیالیست باید پیشرو ایجاد شوراها در محیط زیست و کار باشند.

۵- شوراهای محلات در شرایط امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تجربه عملی همین دوره نشان میدهد که محلات و تجمعات مبارزاتی در آن، پایه سازماندهی حرکات اعتراضی وسیع و بویژه تظاهرات شبانه است. باید کنترل محلات را از دست جمهوری اسلامی و نیروی سرکوبگر آن خارج کرد.

۶- حزب اتحاد کمونیسم کارگری، کارگران و مردم زحمتکش را به برپائی شوراها فرامیخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ ژوئن ۲۰۰۹



جهان بدون فراخوان

سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون "خطر" سوسیالیسم،

به چه منجلاپی تبدیل میشود!

منصور حکمت

در نقد سندیکالیسم

مجموعه ای از اسناد حزبی، مقالات جدلی و مباحث انتقادی، عملی و سبک کاری در جنبش کارگری



از انتشارات حزب اتحاد کمونیسم کارگری

اکتبر ۲۰۱۱

در مراسم دهمین سالگرد درگذشت منصور حکمت شرکت کنید!



نزدیک به ده سال از درگذشت نابهنگام منصور حکمت میگذرد. ده سال است که جنبش کمونیسم کارگری این متفکر بزرگ مارکسیست و تنوریسین و سازمانده برجسته خود را از دست داده است. زمانی که چشم از این جهان فروبست گویی طبقه کارگر و بشریت متمدن گوشه ای از روشنایی و تیزبینی و چراغ راهنمایی خود را از دست داده است.

جای خالی اش پر نشدنی است. اما گنجینه سیاسی و نظری اش راهنمای ما برای پیروزی کمونیسم و کارگر و آزادیخواهی در جامعه است.

منصور حکمت فقط به ما فعالین کمونیست کارگری تعلق ندارد. به طبقه کارگر جهانی تعلق دارد. به آزادیخواهی و تلاش برای آزادی و رهایی جامعه تعلق دارد. به تمامی کسانی متعلق است که تلاش اش، سیاستهایش، نظراتش، زندگی و افق سیاسی و توقع آنها را از خود و از زندگی دگرگون کرده است.

در دهمین سالگرد درگذشت منصور حکمت که در هفت ژوئیه در هایگیت لندن توسط "بنیاد منصور حکمت" برگزار میشود، شرکت کنید. این مراسم را به مکانی بزرگ و شایسته برای گرامیداشت یاد و دست آوردهای این متفکر بزرگ مارکسیسم و کمونیسم کارگری تبدیل کنیم. از تمامی علاقمندان و دوستان منصور حکمت انتظار میرود که سهم خود را در برگزاری موفق این رهبر کمونیست و دوست داشتنی ایفا کنند.

این مراسم در لندن برگزار میشود، اما همزمان در هر گوشه ای از این دنیا که هستیم میتوانیم یادش را در این روز گرامی بداریم. از مراکز کار و زندگی گرفته تا دانشگاهها و خیابانها. هر کجا که هستیم، به هر شکلی که میتوانیم.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری از همزمان منصور حکمت، از کارگران کمونیست، از دوستانش، از انقلابیون، و از همه کسانی که تحقق آزادی را در کمونیسم میجویند، دعوت میکند که در مراسم یادبود و بزرگداشت دهمین سالگرد او که توسط بنیاد منصور حکمت سازمان داده شده است شرکت کنند.

زنده باد کمونیسم منصور حکمت

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

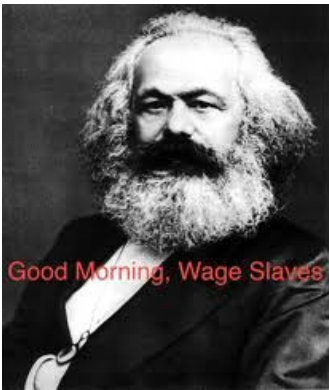
۲ آوریل ۲۰۱۲

آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net>

www.m-hekmat.com



سبعیت و فقر و تبعیض و نابرابری نمیتواند سرپا بماند. در اول مه، دست در دست هم و با غریبی که خشت خشت کاخهای قدرت بورژوازی را بلرزاند، بیدان آیم و فریاد بزنیم؛ کارگران جهان متحد شوید! مرگ بر سرمایه داری! دنیایی بهتر باید ساخت! جهانی آزاد و برابر و مرفه، یک جامعه آزاد کمونیستی!

زنده باد انقلاب کارگری!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

4 آوریل 2012 - 16 فروردین 1391

کشور، گوشه ای از استراتژی بین المللی سوسیالیستی کارگران علیه سرمایه داری است. همزمان باید سازمانهای توده ای و رادیکال و شورائی کارگران را تحکیم کنیم و بعنوان ابزارهای جدال برسر آزادی و رفاه بکار گیریم. کارگران همه جا خواهان لغو کار قراردادی، افزایش دستمزدها براساس تامین یک زندگی انسانی، کار یا بیمه بیکاری مکفی، حق بی قید و شرط تشکل و اعتصاب، و تغییر فوری زندگی طبقه کارگر و مردم محروم هستند. مبارزه ما از تلاش برای بهبود روزمره زندگی طبقه کارگر و تعطیل نشدن مراکز کار تا سیاست کنترل کارگری و کسب قدرت سیاسی یک مبارزه واحد است.

کارگران، همزمان!

این نظام شایسته ما و بشر امروز نیست. این نظام بدون جنایت و

میکند، و یا طبقه کارگر با نفی نظام مبتنی بر بردگی مزدی و استثمار و مالکیت خصوصی، بحران را به نفع بشریت ختم میکند.

طبقه ما باید برای این جنگ سازمان یابد و بیدان بیاید. بدون تشکل توده ای و حزبی، بدون راه حل اجتماعی و سیاسی، و بدون وحدت وسیع طبقاتی پیروزی غیر ممکن است. طبقه کارگر بدون سنت رادیکال مبارزاتی و بدون ظاهر شدن بعنوان پرچمدار آزادی جامعه در قالب یک حزب سیاسی کمونیستی کارگری نمیتواند این وضعیت را بطور بنیادی تغییر دهد. طبقه ما باید علیه فقر و فلاکت و کلیت سرمایه با پرچم کمونیستی کارگری بیدان بیاید. مبارزه طبقه ما در هر

اطلاعیه حزب بمناسبت اول مه،

"نه" به سرمایه داری،

یک دنیای بهتر ممکن است!

کارنامه سرمایه داری مملو از جنایت علیه ما کارگران است. همه می بینیم که فقط در این چند سال چگونه طبقه ما را به فلاکت وسیع تر کشانده اند. دیگر فقط کار شاق و استثمار نیست، بردگی و کار مجانی به سهم و زندگی بخشی از طبقه ما تبدیل شده است. در این اوضاع که میلیون میلیون کارگر به خیابان پرتاب و زندگی شان نابود میشود، سرمایه داران از صدها میلیون دلار جایزه و حمایت دولت از جیب کارگران بهره مند میشوند. امروز دیگر صحنه عیان است. همه می بینند که جنگ کلاسیک، جنگ بورژواها و دولتهایشان علیه طبقه کارگر و سوسیالیسم در جریان است. ما کارگران باید از موضع دفاع به موضع تهاجم خیز برداریم. مسئله ساده است: بحران اقتصادی کنونی دور راه حل بیشتر ندارد؛ یا سرمایه داری بقایش را با کوبیدن طبقه کارگر به طرق مختلف حل

اول مه را به روز اعتراض و اعتصاب تبدیل کنیم!

جهان قرار است در اول مه سال ۲۰۱۲ اعتصاب کند، تظاهرات کند، علیه فقر و بیکاری و بیحقوقی حرف بزند، علیه سرمایه داری بعنوان بانی این وضع فریاد بزند، صدایش را به وسعت جهان بلند کند که کارگران این وضع را نمی پذیرند!

در ایران نیز این صدا باید قوی و کوبنده و منعکس کننده اوضاع و شرایط واقعی طبقه کارگر باشد. کارگران در اول مه باید علیه سیاست حذف سوبسیدها، علیه سیاست "جهاد اقتصادی"، علیه بیکاری و اخراجها، علیه ساقط شدن از زندگی دهها میلیون نفر اعضای خانواده های کارگری فریاد بزنند.

در اول مه خیابانها و تریبونها به کارگران تعلق دارد. این روز به حکومت اسلامی و مناسک شوراها و اسلامی و خانه کارگرش ربطی ندارد. نباید اجازه داد جریانهای دولتی روز کارگر را به روز چاپلوسی برای "سرمایه ایرانی و تولید ملی" تبدیل کنند. اول مه روز کارگران است و کارگران هر جا که جمع هستند باید آنجا را به محل اعتراض برحق طبقه کارگر علیه سرمایه داری تبدیل کنند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۸ آوریل ۲۰۱۲

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!